

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۶ آذر ۱۳۶۳ برابر ۱۷ دسامبر ۱۹۸۴
پها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۳۷

زنده باد اعتصاب گران قهرمان ذوب آهن اصفهان!

اخبار واصله حاکی است که حتی در پی این جنایت هولناک نیز اعتصاب دلاورانه پو لادگران قهرمان و دیگر کارکنان این مجتمع بزرگ هم چنان ادامه یافت. اعتصابگران با استواری مطالبات خود را پی گرفتند کسه در صدر آن در این مرحله الغای طرح "تعاونی کردن" قرار دارد.

ما در شماره گذشته به طرح توطنه گرانه، ارتجاعی و ضدانقلابی رژیم که به آن "تعاونی کردن" نام داده است، اشاره کرده و به جوانب چندی از آن پرداخته بودیم. در این شماره بقیه در صفحه ۸

کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با صدور اعلامیه ای مشترک پیرامون اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان، پرده سنگوت رسانه های جمهوری اسلامی را نسبت به این اعتصاب عظیم از هم دیدند و خبر از جنایت هولناکی دادند که در کارخانه ذوب آهن اصفهان به وقوع پیوست. سران سفاک رژیم دستور دادند که تن از کارکنان اعتصابی را در همان محوطه کارخانه تیرباران کنند. به این ترتیب این اعتصاب نیز مانند بسیاری دیگر از اعتصابات کارگری به خون کشیده شد.

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از مهمترین و حساس ترین پایگاه های دستیابی به استقلال اقتصادی ایران - مجتمع ذوب آهن اصفهان - متوقف سازند. دشمنان استقلال ایران، که از مدتها پیش تبلیغات دامنه داری علیه یگانه مجتمع صنعتی متکی بر منابع داخلی، به بهانه عدم سودآوری براه انداخته بودند، بالاخره موفق شدند نقشه عیقا ضد ملی تقسیم مجتمع ذوب آهن اصفهان به واحدهای جداگانه به منظور واگذاری بخشهای سودآور به کلان سرمایه داران را به تصویب برسانند. در صورت تحقق این نقشه نه تنها ضرر مهملی بر پیکر نحیف اقتصاد ملی ما وارد خواهد آمد، بلکه بیش از ۵ هزار تن از کارگران ماهر صنعتی ایران نیز به اردوی بیکاران خواهند پیوست.

بقیه در صفحه ۲

سران جمهوری اسلامی دست به جنایت هولناک جدیدی زدند. در جریان اعتصاب ده هزار نفری کارگران و دیگر کارکنان کارخانه ذوب آهن اصفهان، ارگانهای سرکوبگر رژیم ۲۰ نفر از کارکنان راد سنگیرو ۱۰ نفر از آنان را بدون کوچکترین مجوز قانونی و با زیر پا گذاشتن کستخانه ابتدایی ترین موازین حقوق بشر، فقط برای زهرچشم گرفتن از کارگران مبارز در محوطه کارخانه تیرباران کردند.

اما این جنایت، که پرده از ماهیت رژیم خودکامه قرون وسطایی حاکم بر جان و مال و ناموس توده های زحمتکش برمی دارد، نتوانست مبارزه پیگیر و سرسخت کارگران قهرمان و از جان گذشته کارخانه ذوب آهن اصفهان را غلبه سیاست ضد مردمی رژیم دایر بر زمین بردن یکی

در لایحه بودجه سال آینده "جنگ همچنان در رأس امور است"

در جلسه ششم آذر ماه مجلس، نخست وزیر لایحه بودجه سال آینده را به نمایندگان ارایه نمود.

اوستخرانی خود در این مورد را با تأکید مجد در بر روی تداوم جنگ آغاز کرد و بدینوسیله از پیش شخص ساخت که بودجه سال ۶۴ نیز برچه مبنایی تنظیم گشته است.

بودجه جدید مختصا ت اصلی بودجه های چند سال گذشته و امسال را در خود حفظ کرده است. این مختصا ت بر سر تخرصت عمومی دفاع از سرمایه داری عبارتند از: اولویت دادن به جنگ، تکیه بر استقراض از سیستم بانکی کشور برای جبران کمبود بودجه و نقش فائقه درآمد حاصل از فروش نفت در میان کل درآمدهای دولت. بر اساس لایحه ارایه شده از سوی نخست وزیر، حجم کلی بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۶۴ برابر است با ۲۸۱۸/۷ میلیارد ریال که ۳ میلیارد ریال کمتر از بودجه عمومی مصوب سال ۱۳۶۳ کشور است. بنا بر اعتراف خود موسوی "کاهش حجم هزینه های بودجه عمومی کشور، به معنی اعمال صرفه جویی های وسیع در هزینه های جاری و عمرانی، دولت است."

با توجه به کاهش بودجه و در همین چارچوب افزایش هزینه مربوط به جنگ، باید انتظار داشت که از آن اندک اقدامات عمرانی که برای خالصی نبودن عریضه صورت می گرفت، به نحو چشمگیری کاسته شود. پیوده نیست که موسوی از هیچ طرح مهم عمرانی جدیدی سخن نمی گوید و تنها بقیه در صفحه ۳

پیام های تبریک به کمیته مرکزی سازمان

به مناسبت برگزاری پیروزمندان پلنوم

در صفحه ۳

مسأله گرسنگی در جهان امروز

عوارض مرکب از خشکسالی اخیر در شرق آفریقا، بازتاب گسترده ای در رسانه های گروهی یافت. در همان حال که دولت انقلابی اتیوپی برخورد آرازیاری بیدریخ اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، مبارزه سرسختانه ای را علیه این مشکل و مصیبت بزرگ پیش می برد، رسانه های امپریالیستی و ارتجاعی از جمله رسانه های حکومتی در ایران کوشیدند از این واقعیت بپا بپا به وسیله ای برای تبلیغات ضد انقلابی بهره گیرند. آنها در پشت گرد و غباری که بپا کرده بودند، سعی داشتند ریشه های بروز این فاجعه در انگیزه پوشیده نگه دارند. ما برای آگاهی خوانندگان از علل و ریشه های قحطی و گرسنگی، کوتاه شده مقاله ای از پروفیسر "وادیم کورتونف" دانشمند شوروی را در این بقیه در صفحه ۴

به مناسبت سالگرد نهضت ۲۱ آذر تأثیر نهضت ملی - دمکراتیک بر هنر و ادبیات آذربایجان

اواخر سال ۱۳۲۵، با تحریک بلا واسطه و کمک امپریالیستها، قشون ارتجاع مرکزی، یورش بربر منشانه ای به آذربایجان آورد. نهضت ملی - دمکراتیک آذربایجان به ثابته جزء جدایی ناپذیر نهضت انقلابی ایران و تکیه گاهی برای استقلال واقعی و تمامیت ارضی کشور، در معرض وحشیگری ارتجاع قرار گرفت و دستاورد های نهضت که با خون دل مردم به دست آمده بود، با یک سرکوب خونین لگدمال گشت. سلطه مجد د ارتجاع بر آذربایجان هرچند که آثار دمکراتیک و مردمی نهضت دولت ملی را در عرصه های اقتصادی - اجتماعی بقیه در صفحه ۴

۶۳ سال از برقراری حکومت شوراهای

در ازمنستان گذشت در صفحه ۱۴

سه مصاحبه در حاشیه گردهمایی سالانه

"شورای جهانی صلح" در صفحه ۶

بزرگداشت رزم قهرمانانه

دانشجویان پلی تکنیک آتن در صفحه ۷

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بپاخیزیم!

اعلامیه مشترك

بقیه از صفحه اول

کارگران مبارز و پاهن اصفهان با درک ژرفای این خیانت عظیم در حال تکوین، از سه هفته پیش پیکار دشوار و افتخارآفرینی را برای خنثی ساختن خیانت نوبتی دولت آغاز کردند. اعتصاب کارگران واحد کوره بلند بزودی به اعتصاب عمومی در کارخانه ذوب آهن فراروید. هم اکنون اعتصاب ده هزار نفری کارکنان ذوب آهن علیه فتنه رژیتم، همچنان ادامه دارد. موج نوین نبرد اعتصابی کارگران و عکس العمل وحشیانه رژیم زمانی آغاز می شود، که رهبران جمهوری اسلامی سیاست ضد مردمی احیای نظام سرمایه داری و ایستاده و نوسازی مواضع از دست رفته امپریالیسم و انحصارهای غارتگر خارجی را در پیش گرفته اند و با ادامه جنگ خانمانسوزی حاصل میهن ما را در آستانه ورشکستگی کامل اقتصادی و مالی قرار داده اند. سردمداران رژیم با خیانت آشکار به آماجهای مردمی انقلاب، یگانه راه حل مشکلاتی را که با آنها روبرو هستند، در تجا و ز به مناقصه توده های زحمتکش می بینند. آنها برای اجرای سیاست ضد مردمی خود، همانند دوران ستشاهی از ارگانهای سرکوبگر می گیرند. دستگیری عده ای از کارگران و مهندسان، اعدام وحشیانه ۱۰ تن از کارکنان و محاصره کارخانه

توسط سپاه، نشانگر ترس مرکبار حکام مرتجع از تشدید پیکار طبقه کارگر ایران است. کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و همدستان آنان در حاکمیت جمهوری اسلامی که از گسترش جنبش کارگری در کشور به وحشت افتاده بودند، با یورش سبعمانه به حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سرهم بندگی محاکمات فرمایشی و سپردن گروهی از فدائیان زحمتکشان کشور به جوخه های اعدام، قصد داشتند هرگونه صدای حق طلبانه کارگران و دیگر زحمتکشان را در سینه خفه کنند. اما گسترش دامنه نبرد اعتصابی کارگران ایران و از آن جمله اعتصاب ده هزار نفری کارگران قهرمان ذوب آهن اصفهان مؤید شکست سیاست ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی است. کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) کشتار دد منشا نه کارگران را قویا محکوم می کنند و خواستار مجازات فوری کسانی هستند که فرمان این جنایت وحشتناک را صادر کرده اند. خواست کارگران و دیگر کارکنان، پیرامون متوقف ساختن نقشه و اگذاری واحدهای سوآورد و مجتمع ذوب آهن به کلان سرمایه داران زیر پوشش "تعاونی کردن" حق آنهاست و باید برآورده شود. ما همه کارکنان واحد های مختلف مجتمع ذوب آهن درد یگرشهرها و نیز کلیه کارگران سایر موسسات صنعتی را قویا می خوانیم تا با

سازمان دادن اعتصابها و تظاهرات همبستگی، به یاری برادران خود در اصفهان بشتابند و جنایت ارگانهای سرکوبگر رژیم را محکوم کنند. نباید لحظه ای فراموش کرد، که امروز نوبت کارکنان ذوب آهن اصفهان است و فردا نوبت آنان خواهد بود. نباید به رژیم اجازه تجا و ز به یکی از دستاوردهای مردم ایران در تاریخ معاصر کشور را داد. کارگران ایران، که در نوره جنبش رهایی بخش ملی سالهای ستشاهی آبدیده شده اند به خوبی می دانند، فقط با مبارزه متحد و متشکل می توان بردشمنان خلق که در راه خیانت آشکار به مصالح ملی گام گذاشته اند، پیروز شدند و نقشه های ایران بر باد ده آنها را خنثی کرد. کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شهادت ده نفر از کارکنان مبارز و پاهن اصفهان را به خانواده های آنان و به همه کارگران ایران تسلیم می گویند. خاطره آنان مانند هزاران شهید راه آزادی طبقه کارگر بادی خواهد ماند. درود به کارگران و دیگر کارکنان مبارز مجتمع ذوب آهن اصفهان زنده باد طبقه کارگر ایران، یگانه مبارز پیگیر و سرسخت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی! کمیته مرکزی حزب توده ایران کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۷ آذر ماه ۱۳۶۳

باند های داخلی حزب توطئه گران، علیه یکدیگر نیز توطئه می چینند

اختلافات درونی حزب جمهوری اسلامی چنان گسترش یافته که اکنون دیگر در سطح عموم مطرح می گردد. هاشمی رفسنجانی در دیدار با مسئولین آموزش این حزب در روز هشتم آذرماه بار دیگر به این اختلافات پرداخت و گوشه هایی از آنها بر ملا ساخت. شدت اختلافات در درون حزب جمهوری اسلامی به حدی رسیده است که زمره انشعاب و تشکیل یک حزب جدید به گوش می رسد. تلاش برای سازمان دادن یک جناح مخالف نیرومند و یا حرکت در جهت ایجاد یک حزب جدید به شدت با ایدئولوژی، برنامه و سیاست حزب که ذاتا می خواهد واحد و فراگیر باشد در تضاد است. رفسنجانی خود در این مورد می گوید: " آنچه ما می فهمیم حزب واحد اسلامی است و ما بیش از این به خودمان حق نمی دهیم. اگر بنا باشد روزی چند حزب اسلامی در یک جامعه در مقابل همدیگر صف بکشند، یک جای کار خراب است و اشکالی وجود دارد، چون اسلام یکی بیشتر نیست و اصول حکومتی و اجتماعی و اصول زندگی آن تحقیقا واحد است و حزب نیز دعوت به همین اصول واحد اسلامی می کند. " (اطلاعات - ۱۱ آذر)

رفسنجانی در همانجا از گروهی که در مقابل جریان منسوب به او قرار دارد با عنوان باندد

نام می برد و در رابطه با حرکات و تلاشهای افراد آن برای کسب قدرت بیشتر در داخل حزب چنین می گوید: " اگر بانددی خاص در حزب تلاش کند که قدرت را به دست بگیرد و برای آن برنامه ریزی کند و افرادی را انتخاب کند که درکنگره برود و به دلخواه آنها رای بدهد و بعد از درونکنگره یک نفر را انتخاب کند که در شورای مرکزی یسک جریان قویتر به نفع آنها براه بیندازد، این درست بر خلاف فلسفه تشکیل حزب است، این خیانت به آرمان یک حزب خوب و طبیعی است. اگر این کار انجام شود، جریان دیگری که احساس می کند علیه آن توطئه می شود، دچار تصویب متقابل می شود و در نتیجه باید این جریان و یا دیگری باید بیرون برود و در اینصورت افراد برای اتحاد وارد حزب می شوند اما برای تفرقه عمل می کنند. این تضعیف حزب است. اگر کسی فکر کند که حزب را باید یک جریان خاص بگرداند، یعنی پذیرفته است که در جامعه باید دو تا حزب وجود داشته باشد، چون طرف مقابل آنها هم ممکن است برای خودشان به فکر تشکیلات جداگانه بیفتد و این یک امر طبیعی است." باند مقابل رفسنجانی سنگ خا منه ای رابه سینه می زند. رفسنجانی با سرزنش کردن این جریان و در همانحال ستایش از خا منه ای به

در می گوید تا دیوار بشنود. او بدین شیوه عملا خا منه ای را مورد خطاب قرار می دهد و او را از دامن زدن به اختلافات برحذر می دارد: " هم اکنون دبیرکل حزب جمهوری اسلامی شخصی مثل آقای خا منه ای است. حزب نباید باعث شود که آقای خا منه ای از این مقبولیت فامه ای که دارند دور شوند. ایشان مورد پذیرش همه طرز تفکر های جامعه امروز ما هستند... دقت شود که ایشان را نمی توان در یک جریان خاص محدود کرد... این حزب نمی تواند به جریان خاصی محدود گردد... باند بازی و گرایش گروهی و به قدر رساندن این جریان و یا آن جریان و رای جمع کردن برای این و آن و کارهایی از این قبیل، همه ضد حزبی است و باعث می شود که حزب از رسالت و لیاقت دور شود." رفسنجانی هنوز گمان می کند که حزب جمهوری اسلامی آنقدر "فراگیر" خواهد شد که "تنها مخصوص ایران نباشد" و عالم گستر شود. تنها خود این عالی جناب می تواند به این خیال دلخوش کند. آنچه فراگیر شده است، رسوایی این حزب است. اکنون جناحهای حزب توطئه گر ها، برای خود نیز توطئه می چینند. این تضادهای درونی بر میزان رسوایی این جریان و تنفر مردم خواهد افزود.

پیام های تبریک به کمیته مرکزی سازمان به مناسبت برگزاری پیروزمندان پلنوم

● به مناسبت برگزاری پیروزمندان پلنوم اخیر کمیته مرکزی سازمان، پیام های تبریکی از سوی واحد های تشکیلاتی سازمان در سراسر کشور خطاب به رهبری سازمان فرستاده شده است. در این شماره، پیام های کمیته هرمزگان و کمیته سیستان و بلوچستان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) را درج می کنیم.

از تو پیش و ترانه آموخته ایم
در سینه چه شعله ها برافروخته ایم
ای هم نفس سپیده ما را بنواز
ما را، که ز اشتیاق تو سوخته ایم

رفقای کمیته مرکزی

با درود های رفیقانه، گرم و بی پایان به رفقای عزیز، برگزاری پیروزمندان پلنوم اخیر، ما را غرق در شادی و سرور ساخت. بدین مناسبت شورانگیز ترین درود های خود را که از اعماق وجودمان بر می خیزد تقدیم حضورتان می نمائیم. در شرایطی که رهبران جمهوری اسلامی به آرمانهای انقلاب شکوهمند بهمن ماه خیانت کرده و برای توده های دریند میهن مان چسز درد ورنج و بطور کلی زندگی مصیبت بارد رکلیه ابعاد آن چیزی به ارمان نیاورده اند و در شرایطی که برای نابودی سازمان ما و همه نیروهای مترقی و انقلابی به کینه توزانه ترین و وحشیانه ترین شیوه های قرون وسطایی و ضد بشری متوسل میشوند، بدون شك برگزاری این پلنوم از طرفی موجب امید واری کارگران و زحمتکشان میهن مان و تعالی نیروهایی است که در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پیکار می کنند و از طرف دیگر پاسخ کوبنده ای است به تلاشهای مذبحانه ارتجاع حاکم. ما این پیروزی را با قلبی آکنده از شور و شادمانی و با ایمان به پیروزی راهمان به شما رفقای گرانقدر کمیته مرکزی شاد باش میگوئیم.

رفقای گرامی!

ما با مبارزه پیکر و آشتی ناپذیر خود علیه امپریالیسم و ارتجاع در چارچوب مشی انقلابی و کمونیستی سازمان در جهت پیوند هر چه عمیق تر خود با توده های ملیونی مردم مبارزه برای ایجاد جبهه متحد خلق از هیچ تلاشی دریغ نخواهیم ورزید و در این راه "سروجان را نتوان گفت که مقداری هست". ما اطمینان داریم که مصیبات این پلنوم، راهگشای مشکلات و محضلات جنبش ضد امپریالیستی، دموکراتیک میهن مان در این مقطع حساس از تاریخ سرزمین بلا زده مان خواهد بود.

در پایان همچون گذشته سعی خواهیم کرد که در پرتو رهبری پرتوان کمیته مرکزی و رفیق فرخ نگهدار دبیر اول کمیته مرکزی سازمان، بند مصیبات پلنوم اخیر را سرلوحه عمل انقلابی روزمره خود قرار دهیم.

مستحکم باد صفوف سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثريت)!

درود بر کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثريت)!

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا!
کمیته استان هرمزگان آبانماه ۱۳۶۳



رفقای گرانقدر کمیته مرکزی سازمان!

درود های صمیمانه و پرشور ما را به مناسبت برگزاری پیروزمندان پلنوم مهربانه کمیته مرکزی سازمان بیذیرید. برگزاری پیروزمندان پلنوم کمیته مرکزی سازمان، ما را غرق در شادی و سرور ساخت و این در شرایطی اتفاق افتاده است که ارتجاع حاکم در میهن انقلابی مان هم جهت با امیال امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، ثروت های مادی و معنوی خلق ما را چون هیبه برای گرم کردن تنور جنگ به جبهه ها سرازیر کرده و هرگونه صدای اعتراض و حق طلبی را در گلو خفه میکند. زندانها از دهها هزار زندانی سیاسی انباشته شده و خون رزمندگان آشتی ناپذیر خلق، برکف سلول شکنجه گاه های جمهوری اسلامی، هر روز و هر ساعت سند جنایات این جمهوری را مهر میکند. و در چنین شرایطی است که فدائیان خلق ایران بهمرهه رفقای توده ای و برادران مجاهد و سایر مبارزین راه سعادت و آزادی خلق در گستره سراسر وطن استوار و خستگی ناپذیر برای انجام وظایف سازمانی خود به تلاشی شبانه روزی مشغولند.

اوضاع جهانی و منطقه سخت بحرانی است و حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی میهن انقلابی ما را بسوی انحصارات فارتگر امپریالیسم سوق داده است و برای بی پایان بردن این برناه خیانت آمیز است که سرکوب کلیه نیروهای انقلابی و میهن پرست را در دستور روز خود قرار داده و در عوض آزادی "تجارت محترم" و فاسدترین جناح های سرمایه داری واپسته را تامین می کند. کار را تا بدانجا رسانده که در منطقه سیستان و بلوچستان سردمداران قاچاق مواد مخدر که سرمایه کلانی بهم زده اند با امید واری بسوی رهبران جمهوری اسلامی دست دوستی دراز کرده و برای سرمایه گذاری "مشروع" احساس امنیت می کنند. در عوض خلق ستعشیده و زحمتکش بسوی و سیستانی در جواب اعتراض به نمایندگی با بقیه در صفحه ۷

در لایحه بودجه سال آینده

بقیه از صفحه اول

برای کارهای عقب افتاده را قلمی را منظر کرده است. بودجه جدید در صورتی که رقم ۳۵۷۰ میلیارد ریال مربوط به درآمدهای دولت، واقع بینانه ارزیابی شده باشد - ۳۹۴/۵ میلیارد ریال کسری دارد. این کسری طبق يك فرمول کهنه، با استقرار ارزتانه مرکزی و روشن تریگویم از راه چاپ اسکناس بی پشتوانه تامین خواهد شد. رژیم از این طریق با افزودن بر حجم نقدینگی و میزان تورم، بازهم از سفره زحمتکشان زده و به جیب سرمایه داران خواهد ریخت.

جنگ، درشت ترین ارقام بودجه را به خود اختصاص داده است. هزینه مستقیم جنگ، ۴۰۰ میلیارد ریال ذکر شده است و لی این رقم تنها "تنخواه گردان" جبهه ها را و حتی بخشی از آن را شامل می شود. به این رقم باید رقم مربوط به بنیاد شهید، بنیاد امور مهاجرین جنگی، کمیته امداد، بخش اعظم بودجه مربوط به دستگاه های نظامی و انتظامی و نیز وزارت جهاد و حتی قسمتی از بودجه های وزارتخانه های دیگر را افزود تا دریافت جنگ چگونه کشور را به خاک سیاه می نشاند.

تاکنون بر اساس گزارشهای رسمی حکومت، جنگ ۲۴ درصد از کل بودجه را می بلعیده است. حتی اگر افزایش هزینه های جنگی در سال ۶۴ را نادیده بگیریم و این ضریب را ثابت فرض کنیم در سال آینده دست کم ۱۵۰۰ میلیارد ریال به کام جبهه ها خواهد ریخت. (در گزارش موسوی این رقم ۱۳۰۶/۵ میلیارد ریال ذکر شده است) اگر جمعیت کشور را ۴۰ میلیون نفرو متوسط تعداد افراد هر خانوار ایرانی را ۵ نفر در نظر بگیریم، درمی یابیم که به ازای هر خانواده در سال ۶۴ حداقل ۱۸۷۵۰۰ ریال برای تداوم این جنگ خانمانسوز، منظور خواهد شد. این رقم فشاری که بر هر خانواده می آید، به تعامی متعکس نمی کند. اگر از کشتار مردم ویرانی شهرها، روستاها و منابع ملی و نیز اتلاف نیروهای انسانی صرف نظر کنیم و تنها توجه خود را به اثرات اقتصادی جنگ به صورت تأثیرات مستقیم معیشتی، معطوف سازیم، باید یا توجه به نقش تورم زای جنگ و همه اثرات جانبی آن به افت خانمانسوز، به عددی چندین برابر ۱۸۷۵۰۰ ریال در سال برسیم.

لایحه بودجه سال ۶۴، با توجه به این که به گفته خود موسوی در آن "اداره امور جنگ در اسفند ماههای دولت قرار گرفته و از اولویت کامل برخوردار است" و یا توجه به اینکه در آن حق "سرمایه های بزرگ مشروع" کاملاً محفوظ شده است، با روی خوش نمایندگان مجلس مواجه خواهد شد. اما مردم در این لایحه، تیره روزی و فقر و گرسنگی و ویرانسی می بینند. گسترش اعتراضات زحمتکشان، نتیجه طبیعی و پاسخ شایسته چنین لوایح و سیاستهایی است.

به مناسبت سالگرد نهضت ۲۱ آذر

تأثير نهضت ملی - دموکراتیک بر هنر و ادبیات آذربایجان

پایه شرایط عینی و ذهنی موجود در عرصه بین المللی و ملی، به ادبیات آذری و ویژگی باری می بخشید.

نویسندگان، شاعران و هنرمندان دوران نهضت ملی - دموکراتیک آذربایجان هرگز تعهد خود در نسبت به نهضت و مردم فراموش نکردند. بعد از شکست، کشتار و حبس‌نشینان پراوازه ای چون "علی فطرت"، "کاشف"، "شاعر کارگر" محمد باقر نیکام، "سعیدی یوزباشی" و دههاتین دینریه وسیله چکمه پوستان شاه، نشانه پایداری آنها در سنگر مقاومت بوده است.

از ویژگیهای بسیار ارزنده ادبیات و هنر مردمی دوران نهضت ملی - دموکراتیک آذربایجان و دوره حکومت ملی، شکوفایی کم نظیر و شگفت انگیز استعداد های زنان آذربایجان در عرصه ادبیات و هنر بود. در پی اصلاحات عمیق اجتماعی - سیاسی که دولت ملی در تمامی شئون جامعه انجام داده بود، زنان آذربایجان به ثابتهایی از کاروان نیرومند نهضت، در عرصه های کار و پیکار و آفرینش معنوی و فرهنگی دوشاد و شمردان، سهم برجسته ای ایفا نمودند. در این دوره، شاعران و نویسندگان با قدرتی از میان زنان آذربایجان برخاست که در اینجا، یاد ای از "گلگون" شاعره پراوازه نهضت ملی - دموکراتیک آذربایجان می کنیم:

"گلگون" شاعری برخاسته از دل جنبش آذربایجان مدینه علی اکبرزاده (گلگون) به سال ۱۳۰۵ در یک خانواده کارگری به دنیا آمد. وی از سال ۱۳۲۳ فعالیت ادبی خود را آغاز نمود و اولین سروده هایش در روزنامه "وطن یولوندا" چاپ می شد. در سال ۱۳۲۴ از فعالین پرشور نهضت دموکراتیک آذربایجان



مدینه علی اکبرزاده (گلگون)، شاعری از سرزمین آذربایجان

بود. مدینه گلگون ملهم از نهضت انقلابی، به سرعت فعالیت ادبی خود را گسترش و غنی بخشید و با اشعار آتشین اش در جریانی که در دوره حکومت ملی انتشار می یافت، نقش درخوری در بسیج توده های مردم برای حراست از دستاوردهای نهضت ایفا نمود. آرزوی مجموعه اشعار بسیاری از جمله "دانه های سالان"، "بهار تبریز"، "صدای صلح"، "نگین یادگاری"، "پروانه"، "دختر تبریز"، "روزها و خاطره ها" چاپ شده است. "معنای زندگی" عنوان شعری است از مدینه گلگون که در سال ۱۳۳۶ سروده شده است. ترجمه آزاد آن در صفحه مقابل می خوانید.

آیا مشعل آزادی خاموش می شود، جلاد؟
آیا شیفته حق روی بر می تابد از آن، جلاد؟
آیا درفش رهایی بر خاک می افتد، جلاد؟
از اینها الهام می گیرد، هر پیر و جوان.
(عاشیق حسین جوان)

عصر پیاپی ای "رنالیم"، جایگاه ویسزه ای در ادبیات آذری کسب می کند. سوژه های بی که هنرمندان بر پایه آن آثار مردمی خود را پی می ریزند، به تمامی از چشمه جوشان زندگی توده های مردم و زحماتشان مایه می گیرند. مبارزات توده ای خلق و سنن انقلابی زحمتکشان

گوشه هایی از اقدامات فرهنگی دولت ملی آذربایجان

درد و دولت ملی:

زبان آذربایجانی زبان رسمی دولتی و فرهنگی اعلام گردید. شبکه مدارس بسط یافت. دانشگاه تبریز تشکیل شد، ۵۰ روزنامه ها و مجله در آذربایجان نشر گردید. رادیو تبریز تاسیس شد. جمعیت شاعران و ادبیات آذربایجان، اداره هنرهای زیبا، تئاتر دولتی، ارکستر ملی و فیلارمونی آذربایجان افتتاح یافت.

آذربایجان، شکستها و پیروزیهای نهضت های مردمی، روحیه پرشور و میهن پرستی و اعتقاد عمیق به برادری خلقها و انترناسیونالیسم، سوژه محوری ادبیات آذری را در این دوره تشکیل می دهد و خصیصه مبارزه جویانه آن، ایمان و اعتقاد راسخ به آینده سعادت مند و شکوفایی بشریت و ترسیم چشم انداز نوید بخش آن، بر

از برنامه مصوب پلنوم کمیته مرکزی سازمان برای جبهه متحد خلق در زمینه مسئله ملی

- ۱- تضمین حق خود مختاری خلقهای ساکن کشور در اداره امور خود.
- ۲- رسعیت زبان اقلیتهای ملی در مناطق خود مختار در کنار زبان فارسی.
- ۳- لغو تقسیمات کشوری نفاق افکنانه، تنظیم تقسیمات کشوری بر اساس ملیت اهالی مناطق مختلف کشور.
- ۴- رفع هر گونه تبعیض سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین خلقهای آذربایجانی، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب، ارمنی و سایر اقلیتهای ملی و اقلیتهای مذهبی ساکن ایران، تلاش در راه از میان برداشتن عقب ماندگی های ناشی از ستم ملی.

آزاد لایق مشعلی سو نر می جلاد؟
حقی سئون حقدن د و نر می جلاد؟
قورتولوش بایراغی انر می جلاد؟
اوندان الهام آلیر هر تو جا، جوان.
(عاشیق حسین جوان)

بقیه از صفحه اول

از میان برداشت، امانه تو حش شاهنشاهی، و نه لجن پراکنی تبلیغاتی مترجمین که تا امروز هم ادامه دارد. هیچکدام نتوانست دستاوردهای معنوی نهضت ۲۱ آذر را به کلی نابود سازد. در عرصه رستاخیز معنوی و فرهنگی مردم آذربایجان، از جمله دستاوردهای بغایت گرانقدر مردم درد و نهضت ملی - دموکراتیک و خصوصاً طی حکومت یک ساله دولت ملی، شکوفایی و تکامل شگرف زبان، ادبیات و فرهنگ ملی بود که آثار ارزنده آن، علیرغم کینه توزیهای جنون آمیز رژیم پهلوی، هرگز زده و نه نشد. ادبیات و هنر دموکراتیک آذربایجان، تحت تاثیر نهضت ملی - دموکراتیک و همروند با آن، ریشه در دل این مرز و بوم گستراند که شکست نهضت و متعاقب آن تو حش لجام گسیخته شاهنشاهی در کشتار وسیعانه نویسندگان، شاعران و هنرمندان مردمی، زندان و شکنجه و کتاب سوزان هم نتوانست این ریشه های عمیق را بخشکاند. آنچه راکه رزمندگان پهنه هنر و ادبیات در دل این خاک کاشته بودند، چیزی نبود که با تیشه ارتجاع یکسو بر خاک افتد.

شکوفایی ادبیات رئالیستی و دموکراتیک آذربایجان درد و نهضت ملی - دموکراتیک (۱۳۲۰-۲۵)، دوره و مرحله از سرگذراننده

است. نخستین مرحله که تا سال ۲۴ ادامه دارد، به لحاظ حاکمیت ارتجاعی و ممانعت از نشرو ترویج ادبیات آذری و تحصیل به زبان مادری، نسبت به مرحله دوم از امکانات محدودتری برخوردار بود. با آغاز مرحله دوم و در نتیجه اقدامات درخشان فرهنگی دولت ملی، هنر و ادبیات دموکراتیک آذربایجان گامهای بلند ی به سوی کمال و شکوفایی بر می دارد. آنچه که در این دوره، به سیما ی هنر و ادبیات آذری درخشش خاصی می بخشید، پیوند تنگاتنگ و پایدار آن با حرکت های عمیقاً ضد امپریالیستی، مردمی و میهن پرستانه این مرحله از تاریخ نهضت انقلابی ایران و مردم آذربایجان است که پایه و جانیتهای ادبیات آذری را تشکیل می دهد.

مسیر تکامل ادبیات آذری در این دوره، مسیری کاملاً قانونمند است و تمام عناصر ادبیات و هنر متعهد و مردمی را در بر می گیرد. درد و نهضت ملی - دموکراتیک، موضوع و مبنای

معنای زندگی

ای راههای پر نشیب و فراز زندگی من دره ها را و انمی نهم، تادر جاده های هموار گام بردارم

در دل توفان و کوران می بینید رد پایم را بر سینه تان.

زندگی به خیزبهای عیان مانده است در موج خیز آن، تکلاردم و برفراز آمدن دستم را حذب و طمن گرفت و از دل شب به روشنی روز آمدن.

تبریز، میشرآزادی شد مرند، محوی و سلما س هعآ و آبآن و دیگران بسان کودکی گریان، هق هق نزد جاری گشت و زیبا و دلنشین، آواز خواند.

نفس بهار، چهچه مرغزان درختان خزان زده رازندگی بخشید برادرفدایی من در سنگر تبریز زرشکوه را، به زیورجنیش آراست.

دختران محبوس در جادو چارقد، از زندان ستم رستند

و در بهار زنده گیشان، سعادت را لمس کردند کودکان، از زیر زمینهای خیس بیرون جستند و عشق مدرسه و کتاب در دلشان جوان زد.

فقر و گرسنگی، همچون برفی در آفتاب بهار ذوب گشت و به بخارتبدیل شد با تلاش دولت ملی زمستان، بجای خود در باره بهار زرشکوفه ای سپرد.

حالیاتبریز در خیال من، چونان عیان است سینه اش جو شان است و هوای طغیان در سردارد حصار خیره ها و میله های آهنین را می خواهد در هم بشکند و سر از زیرشود...

سرتا پاشورم ای سرزمین محبوب! تادگر باره در برکنم تن پوش فدایی ام را تنگک به جای قلم برگیرم تا میهن رهایی یابد از چنگال بیگانگان.

دشمن بیهوده فخر می هرزد و بر ماندگاری خود باورش می آید

می گویند رو سیاهی به ذغال می ماند دیگر بار خورشید برام تبریز رخشان می شود خانه به خانه می گردد و بذرنور می افشاند...

آن دود و مه از دل آسمان سترده خواهد شد آسمان شیبه خواهد کشید چونان اسبی کهر تگرگ برینجره ها خواهد خورد غریبی بر خواهد خاست، همچون آذر رخس...

می دانم ای راههای پر نشیب و فراز باز زرشکاکام خواهد زد، با چهره ای شادان این است تنها آرزوی من درد نیا؛ یک زندگی با معنا، یک مرگ با شرف ●

مردم چه می کنند

بخشی از سخنرانی نماینده گنبد و ترکمن صحرا در جلسه ۴ آذر مجلس:

"... گنبد و ترکمن صحرا با حدود ۷۵۰ هزار نفر جمعیت و یک سوم وسعت استان مازندران بسان ایرانی کوچک است در دل ایران بزرگ. زیرا هم سرسبزی و طراوت تنگابسن را داراست هم خشکی و کویری سمنان را. اکنون قبل کشت است و جنگلانی منطقه جلوی کشت حدود حد اقل ۱۰ هزار هکتار از اراضی مزروعی نوار مرزی که حد اقل ۲۰ سال است به زیر کشت می رود گرفته است که در این رابطه نشستی نیز با سرچنگل داری محترم صورت گرفت و قرار شد که زمینهایی که مزروعی تشخیص داده شد به زیر کشت برود ولی ما موریمن منطقه با برخورد های غیر اسلامی که تداعی بر خورد های رژیم گذشته را در ذهن مسردم ایجاد کرده است با وعده های امروز و فردا کشت این زمینها را معوق گذاشته است. من در اینجا هشدار می دهم که اگر وضع چنینی ادامه پیدا کند مسئولیت عدم کشت این زمینها و خسارات ناشی از آن متوجه برادران مسئول در جنگل و مرتع خواهد بود." وی سپس به شیوع بیماری سالک در منطقه اشاره کرد و گفت:

"این بیماری یک بیماری سابقه دار در نوار مرزی می باشد. در بین روستائیان به زخم مرزی نیز مشهور است. عامل اصلی این بیماری موشهای صحرائی و ناقل آن پشه خاکسبی می باشد که بایستی برای جلوگیری این بیماری این عوامل توسط طعمه گذاری و سم پاشی از بین ببرند ولی متأسفانه بی توجهی و بی لیاقتی مسئولین بهداری استان هیچگونه اقدامی به جز سم پاشی چند پاسگاه در نوار مرزی انجام نگرفته است که هم اکنون شاهد این بی توجهی مسئولین بهداری در منطقه می باشیم، بطوریکه عمق قتیبه چقدر فاجعه آمیز می باشد این بیماری از نوار مرزی گرفته در خود شهر نیز دیده می شود که اگر سم پاشی می شد اینگونه نمی گردید. این جای تعجب دارد."

وی در پایان سخنان خود گفت: منطقه گنبد و ترکمن صحرا هم اکنون در رابطه با مسئله اعتیاد بیداد می کند بطوریکه نوجوانان مایکی پس از دیگری سقوط می کنند و آن استعداد های اخلاقی که چرخهای صنعت و اقتصاد مملکت به آنها بستگی دارد، یکی پس از دیگری کسور می گردند. در اینجا شاهد دختران و عروسان جوانی هستیم که به دامن اعتیاد گرفتار شده و کار به جایی کشیده که برای تائین مواد مخدر دست به هر اقدامی می زنند که این مایه ننگی برای جمهوری اسلامی که اساس آن بر مبنای قوانین اسلامی است می باشد. و اگر چنانچه وضع به این منوال پیش رود در آینده خبیری از منطقه ترکمن صحرا به عنوان قطب کشاورزی

نیست و گویا مسئولین هم منتظرند تا اینکسه نیمی از مملکت دچار اعتیاد شود و بعد اقدام کنند که این قتیبه نوش دارو بعد از مرگ سهراب خواهد بود."

روزنامه کیهان ۸ آذر:

"زن باردار ۴۲ ساله ای بنام نصرت شکیبائی از روستای "کشه" واقع در ۴۰ کیلومتری نطنز جهت زایمان در بخش اورژانس بیمارستان نطنز بستری شد. اما بخاطر فقدان متخصص زایمان و ماما، از همین بیمارستان تلفنی بسا زایشگاه کاشان در ۷۰ کیلومتری نطنز تماس گرفته می شود، اما زایشگاه کاشان ضمن خودداری از پذیرش بیمار، خاطر نشان می سازد که اگر زائورا به کاشان بیاورید، او را بسا اصفهان منتقل میکنیم و گویا قبلا نیز در موارد مشابه پاسخ منفی داده است."

بناچار زن حامله با آمبولانس از بیمارستان نطنز بسوی اصفهان روانه شد و بسوی متأسفانه در فاصله ۷۰ کیلومتری نطنز - اصفهان در داخل آمبولانس جان سپرد. جسد این زن از نیمه راه به روستای "کشه" انتقال یافت و یخاک سپرده شد. از این زن ۶ فرزند بجا مانده است."

نماینده اهر در جلسه ۱۱ آذر ماه مجلس: "استان آذربایجان شرقی از لحاظ وسعت و جمعیت معادل چندین استان کشور است و یکی از شهرهای آن که شهرستان اهر است با ۱۲۱۹۷ کیلومتر مربع معادل ۸۵ درصد وسعت استان کهگیلویه و بویر احمد است و ۶۲/۹ درصد استان گیلان و ۸۲/۳ درصد استان چهار محال بختیاری است این شهرستان و سیم که از کشورهای لبنان نیز بزرگتر است و دارای اراضی حاصلخیز و امکانات طبیعی و معادن غنی است لیکن در اثر کمبود شدید امکانات زیربنائی و اجتماعی از محرومترین مناطق ایران بشمار رفته و قسمت هایی از آن جزو مناطق آلوده به بیماری جذام می باشد. محرومیت شهرستان اهر با ذکر پاره ای از ارقام زیر نشان داده می شود:

۸۱/۴ درصد روستاهای این شهر فاقد حمام است این نسبت در مورد روستاهای دهستانهای چهارانگه، دیلگه و رگهان، بافت، کلیبر، گرمادوز و میشه پار از همین شهرستان صد درصد می باشد.

۹۴/۲ درصد زنان مناطق روستائی این شهرستان بیسوادند، تعداد پزشک این شهرستان ۵/۲ درصد نیاز آن و تعداد پرستار ۴ درصد آن و تعداد تخت بیمارستانی موجود ۴/۲ درصد نیاز آن می باشد.

۹۹/۷ درصد روستاهای این شهرستان از امکانات مخابراتی و ۹۰/۸ درصد این روستاها از امکانات پست دولتی محروم می باشد؛ (کیهان ۱۲ آذر)

سه مصاحبه در حاشیه گردهمایی سالانه "شورای جهانی صلح"

● شهر تورنتو در روزهای ۲۳ تا ۲۶ نوامبر امسال شاهد گردهمایی پرشور نمایندگان جنبش های هوادار صلح از کشورهای مختلف جهان در چارچوب اجلاس سالانه "شورای جهانی صلح" بود. گزارش این اجلاس که با حضور رامش چاندر، رئیس شورا برگزار شد، در شماره پیشین "اکثريت" از نظر خوانندگان گذشت. در این شماره سه مصاحبه با سه تن از شخصیت های برجسته شرکت کننده در این اجلاس به چاپ می رسد. این مصاحبه ها را خبرنگاران "اکثريت" در محل گردهمایی شورای جهانی صلح با شخصیت های مذکور انجام دادند.

مصاحبه با گاس نیویورت

معاون شورای جهانی صلح و شهردار شهر یوکلین (کالیفرنیا)

● س- به نظر شما چه خطراتی صلح جهانی را تهدید می کند و در این میان جنگ ایران و عراق چه نقشی دارد؟

ج- من فکر می کنم در تاریخ جهان هیچگاه صلح جهانی تا بدین حد در معرض خطر نبوده است. نوع سلاحهایی که ساخته شده است و ویژه سلاحهای هسته ای ظرفیت نابودی تمامی بشریت را دارند. جنگ ایران و عراق نیز کانونی است که از آنجا صلح در منطقه و جهان تهدید می شود. این جنگ در ادامه تحریکات امپریالیسم در منطقه خلیج فارس شعله ور گشت. در منطقه ای که آمریکا همیشه قصد کنترل آن را داشته است. علت آن هم جریان نفت و سایر منابع است که برای آمریکا اهمیت حیاتی دارد.

اگر بخواهیم دقیق تر به موضوع بنگریم باید به تاریخچه روابط آمریکا با شاه برگردیم. در حال حاضر نیز آمریکا امیدوار است چنان روابطی را با ایران برقرار کند که بتواند دوساره منابع این منطقه و ویژه نفت را زیر کنترل خود داشته باشد. آمریکا برای کنترل کامل خلیج فارس، در تداوم جنگ ایران و عراق حتی احتمال دارد به جنگ محدود هسته ای نیز روی بیاورد. به نظر من جنگ ایران و عراق باید خاتمه یابد. کشورهای منطقه باید در سایه صلح و آرامش به رشد و توسعه خود ادامه دهند و به آمریکا بفهمانند که دیگر ظرفیت کنترل همه مناطق دنیا را برای حفظ منافع خویش ندارد.

● س- همانطور که می دانید بیش از نیمی از جنگ بی معنای ایران و عراق می گذرد. سازمان ما این جنگ را به نفع امپریالیسم و حضور وی در منطقه خلیج فارس ارزیابی نموده است. نظر شما در این مورد چیست؟

ج- آمریکا کشوری است که با دارا بودن ۴ درصد جمعیت جهان ۴۰ درصد از منابع دنیا را کنترل می کند. آمریکا می خواهد بر روی جریان نفت و سایر منابع خلیج فارس همچنان سلطه داشته باشد، حضور خود را در این منطقه حفظ کند و به طرفین درگیر اسلحه بفروشد. آمریکا در سایه تداوم جنگ می تواند جای پای خود را در منطقه محکم کند و از همینرو به نفع این کشور است که جنگ ادامه داشته باشد.

● س- شما از نزدیک با سیاست خارجی آمریکا آشنا هستید. نظرتان در این مورد و نیز آینده جنبش صلح چیست؟

ج- سیاست خارجی آمریکا تنها هدفش حمایت از سرمایه های شرکت های چند ملیتی در تمام دنیاست. این سیاست هیچ ربطی به امنیت ملی آمریکا ندارد. این سیاست مغایر با منافع همه خلقهاست و باعث شده است ثروت مردم آمریکا در راههایی خرج شود که به اقتصاد جامعه ما لطمه زده و آمریکا به صورت یک کشور سلطه گرد آید. این سیاست باعث سقوط جامعه ما خواهد شد.

اما در مورد جنبش صلح: شما به همین کنفرانس بنگرید، کنفرانسهایی از این قبیل مردم را آموزش می دهند که شرایط و مسائل موجود را درک کنند. یحیوان مثال در آمریکا به دلیل کنترل وسایل ارتباط جمعی، تنها عده کمی می فهمند در ایران و سایر نقاط دنیا چه می گذرد. این قبیل کنفرانس ها به مردم اثری لازم را می دهند تا جنبش صلح را توسعه و استحکام بخشند.

جنبش صلح در آمریکا ویژگیها و مسائل خودش را دارد. به عنوان مثال مادر آمریکا با مساله نژادپرستی مواجه هستیم. مبارزه با نژادپرستی نیز جزو برنامه جنبش هواداران صلح است. ما به مردم توضیح می دهیم که به دلیل



پیشرفت تکنولوژی، همه کشورها در صورت بروز جنگ به یکسان در معرض خطر نابودی قرار می گیرند. بنا بر این ما باید همگی تلاش کنیم تا صلح در همه جا استقرار یابد.

ما امید داریم جنبش صلح را در آمریکا تا بدان حد تقویت کنیم که همچون جنبش ضد جنگ ویتنام همه گیر شود تا از این طریق بتوانیم حداقل دولت ریگان را کنترل کرده و حتی بسه این موفقیت دست یابیم که این دولت را کنار بگذاریم.

من همیشه بر این باور بودم که تاریخ با مردمی است که برای عدالت و صلح، مبارزه می کنند.

مصاحبه با جوزف کرجسی، معاون کمیته صلح چکوسلواکی

● س- آقای جوزف کرجسی، شما معاون کمیته صلح چکوسلواکی هستید. ممکن است در مورد این کمیته برای ما توضیحاتی دهید؟

ج- جنبش صلح چکوسلواکی دیر زمانی است که پا گرفته است. کمیته صلح در کشور ما همگام با آغاز اعتلای جنبش صلح در سطح جهانی آغاز به کار کرد. در طی ۳۵ سالی که از عمر این کمیته می گذرد ما فعالیت های زیادی انجام داده ایم. به عنوان نمونه سال گذشته پراگ شاهد یک گردهمایی عظیم جهانی برای صلح و خلع سلاح بود. در این گردهمایی ۶۵۰ نماینده از ۱۳۰ کشور شرکت کردند.

کمیته صلح چکوسلواکی به کشورهای در حال رشد و جنبشهای رهایی بخش توجه خاصی دارد. ما معتقدیم پیروزی این جنبشها تاثیر مستقیمی بر روی صلح جهانی می گذارد. ما فقط از راه تبلیغ از انقلابات رهایی بخش پشتیبانی نمی کنیم. بخوان مثال مادر کشور خود یک "صندوق صلح" داریم که در آن کمکهای داوطلبانه مردم برای یاری رساندن به جنبشها و کشورهای در حال رشد جمع آوری می شود.

● س- نظر شما در مورد جنگ ایران و عراق چیست؟

به جنگ ایران و عراق باید از زاویه توطئه های امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور میانه نگریم. این آمریکا است که آتش این جنگهای محلی را برمی افروزد تا حضور نظامی و اقتصادی خود را در نقاط مختلف جهان حفظ کند.

اکنون به نفع امپریالیسم است که جنگ ایران و عراق ادامه داشته باشد. این جنگ مشکلات خاور میانه را دچار پیچیدگی بیشتری ساخته و مانع استقرار صلح در این منطقه گشته است. این جنگ خانمانسوز قربانیهای بی شماری گرفته است. باید هرچه زودتر به این جنگ خاتمه داده شود.

● س- اکنون دفاع از جان هزاران زندانی سیاسی در ایران اهمیت بین المللی یافته است. در این مورد چه فکر می کنید؟

اعتراف رسمی دولت ترکیه به توافق با رژیم ج.ا. برای سرکوب خلق کرد

نوشته است :

" بنا به گزارش وزارت امور خارجه ترکیه ، ایران و ترکیه برای متوقف کردن فعالیت کرد های تجزیه طلب (که در اصطلاح مطبوعات غرب برای جنبش ملی خلق کرد به کار می رود) در امتداد مرزهای مشترک خود به توافق رسیدند . یک سخنگوی وزارت امور خارجه ترکیه گفت این توافق در جریان دیدار شیخ الاسلام معاون وزارت خارجه ایران با قائم مقام وزارت خارجه ترکیه بدست آمده است ."

در شماره های پیشین "اکثریت" ، مطالبی پیرامون توافق رژیم جمهوری اسلامی با دیکتاتوری نظامی ترکیه برای اشتراک مساعی در سرکوب خلق کرد آمده بود . اینک به گزارش رسانه های گروهی ، مقامات دولت ترکیه رسماً به حصول توافق با دولت ایران در این زمینه ، اعتراف کرده اند .

روزنامه " زود دویچه تسایتونگ " چاپ آلمان فدرال در شماره سی ام نوامبر خود

ج - بسیار غم انگیز است که از دل انقلاب ایران یک رژیم مرفعی برنخاست ، انقلاب ایران یک انقلاب بوسیله رژیم جمهوری اسلامی به شکست کشانده شد ، دسترنج مردم ما مال گردید ، هزاران نفر از انقلابیون به زندان افکنده شده و هزاران نفر در خفا تیرباران شدند . افکار عمومی جهانی باید این جنایتها را محکوم کند و همه تلاش خود را برای نجات جان زندانیان سیاسی در ایران به عمل آورد .

من به پیروزی مردم ایران اعتقاد دارم . سازندگان آن انقلاب عظیم را نمی توان پس زندان و شکنجه و کشتار ، از پای انداخت . مصاحبه با ویلوم هسن ، رئیس کمیته صلح و امنیت دانمارک

● س - نظر شما در مورد جنگ ایران و عراق چیست ؟

ج - از آنجایی که فعالیت های ما در رابطه با جنگ و صلح در جهان می باشد ، طبیعتاً جنگ ایران و عراق برای ما اهمیت دارد . ما فکر می کنیم که این جنگ ، جنگی است مضحک که تنها ثمره آن ریختن خون هزاران جوان بوده است .

در آغاز عراق جنگ را آغاز کرد ، با این تصور که صاحب یک پیروزی سهل و آسان خواهد شد . اما حسابش غلط از کار درآمد . در حال حاضر جنگ مدت ۴ سال است که ادامه دارد . این سران جمهوری اسلامی هستند که بر تداوم جنگ پافشاری می کنند . این جنگ هر چه زودتر باید خاتمه یابد . ما در این رابطه از هر نوع کوششی که برای خاتمه دادن به این خونریزی از جانب سازمانهای بین المللی از جمله سازمان ملل و نیز از سوی آقای الاف پالعه نخست وزیر سوئد به عمل می آید ، پشتیبانی می کنیم .

● س - آقای ویلیام هسن ، شما پیش از چهار سال در ایران بوده اید و از نزدیک با انقلاب ما آشنایی دارید ، در مورد فجایعی که در کشور ما رخ می دهد ، چه فکر می کنید ؟

ج - آری ، من چهار سال و نیم در کشور شما زندگی کرده ام . من ایران را از صمیم قلب دوست می دارم . وقتی که در سال ۱۹۷۸ انقلاب به وقوع پیوست من با تمام وجود از آن حمایت کردم . ولی بسیار غم انگیز است که این انقلاب سرخا با شکست مواجه شد .

در کشور ما دانمارک در مورد زندانیان سیاسی ایران مطالب بسیاری گفته و نوشته شده است . اکثر اطلاعات ما در این مورد از طریق سازمان عفو بین المللی است . بهر حال ما اطلاع داریم که در زندانهای جمهوری اسلامی چه می گذرد . متأسفانه در این مورد دست ما برای کمک عملی باز نیست و تنها می توانیم به افشاکاری بپردازیم . همگان باید بدانند که در زندانهای سیاسی ایران چه فجایعی رخ می دهد .

بزرگداشت رزم قهرمانانه دانشجویان پلی تکنیک آتن

نفران دانشجویان به شهادت رسیده و دهها نفر زخمی شدند .

اکنون هر ساله روزهای ۱۵ تا ۱۷ نوامبر ، محوطه پلی تکنیک آتن ، حکم میعادگاه خلشق برای بزرگداشت آن رزم قهرمانان و تداوم مبارزه علیه سرمایه داری ، و امپریالیسم را پیدامی کنند . احزاب مرفعی ، انجمنهای دانشجویی و دانش آموزی ، شخصیتهای اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و هنری همراه با صد ها هزار نفر از مردم در محوطه پلی تکنیک اجتماع کرده و با تارنارک دریا می جسمه یاد بود شهادت پلی تکنیک خاطره ایمن روز را زنده نگه می دارند و در روز ۱۷ نوامبر با یک راهپیمایی عظیم چندصد هزار نفره به سمت سفارت آمریکا ، خشم و نفرت خود را از این دشمن بشریت عیان می سازند .

امسال نیز جشن پلی تکنیک باشکوه فراوانی برگزار شد . هواداران حزب تود ما ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فعالانسه در این مراسم شرکت جستند و با برپایی میز نشینات و پخش اعلامیه به افشای سرکوب و اختناق در جمهوری اسلامی پرداختند . استقبال مردم شرکت کننده در مراسم که دیرزمانی نیست از دستم دیکتاتوری سرهنگها رهایی یافته اند ، از این افشاکرینها بسیار چشمگیر بود . آنها همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران ابراز داشته و برای رفقای ما آرزوی موفقیت می کردند .

فدائیان خلق در طی ۱۴ سال گذشته از اهمیت تاریخی و سرنوشت سازی برخوردار است .

رفقای رهبری :

ما این پیروزی بزرگ را با همه وجودمان به شما شاد باش می گوئیم و با پشتیبانی از تصمیمات پلنوم آمادگی خود را جهت اجرای تصمیمات و رهنمود های صوبه اعلام میداریم .

دروود بر کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) !

پیروز باد پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) !

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا !

کمیته استان سیستان و بلوچستان آبانماه ۱۳۶۳

در ماه نوامبر سال ۱۹۷۳ ، دانشجویان مبارز یونان برای اعتراض به رژیم دیکتاتوری و سرکوب و اختناق ، در محوطه دانشگاه پلی تکنیک آتن اجتماع کردند و با پخش شعار توسط بلندگو و یا دستگاه فرستنده رادیویی که در درون دانشگاه نصب کرده بودند ، مردم را به همبستگی با مبارزه خود فراخواندند . بسیاری از مردم آتن در اطراف پلی تکنیک گرد آمدند و با شعارهای دانشجویان همصد شدند .

فرستنده رادیویی مرتب علیه کودتاگران و امپریالیسم آمریکا شعار پخش می کرد . شعار دانشجویان مبارز " تان ، آزادی ، تحصیل " ، " سرنگون باد رژیم کودتا " ، " خروبر یونان از ناتو " و " اخراج آمریکایی ها از یونان " بود . اجتماع دانشجویان که از ۱۴ نوامبر آغاز شده بود ، با پیوستن مردم آتن به آنها در روز ۱۷ نوامبر ، جمعیتی بالغ بر هزار نفر را در برمی گرفت .

روز ۱۷ نوامبر ، سرهنگها ، به نیروهای نظامی دستور دادند که به هروسيله ممکن مقاومت دانشجویان را درهم بشکنند . نیروهای ارتشی باشکستن در پلی تکنیک به وسیله تانکها و شلیک مسلسل وارد دانشگاه شده و همه مواضع موجود در سر راهشان را درهم کوبیدند . در جریان این سرکوب خونین چندین

پیام های تبریک به کمیته ... بقیه از صفحه ۳ رگبار مسلسل های پاسداران ارتجاع حاکم روبرو می شوند .

در چنین شرایطی ، بدون شک ، پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما بمثابة تبلور اراده و خرد جمعی کفو نیست های ایرانی در تدقیق خط مشی انقلابی سازمان ، راهگشای ما بسوی تشکیل جبهه متحد خلق و نبرد آشتی ناپذیر ما با امپریالیسم و ارتجاع می باشد .

رفقا !

برگزاری پیروزمندان پلنوم کمیته مرکزی سازمان در شرایطی که ارتجاع حاکم در ایران فقط برای باند های مترجع حاکمیت جمهوری اسلامی حق فعالیت سیاسی قائل است ، مشت محکمی بود بر دهان گشاد و یاوه پردازان حکومت ارتجاع . دست آورد های این گرد همایی تاریخی بمثابة حاصل فرآیند مبارزه متشکل و افتخار آفرین

زنده باد اعتصاب گران قهرمان ذوب آهن اصفهان!

بقیه از صفحه اول

پیش از اینکه به آخرین اخبار واصله از اعتصاب ذوب آهن بپردازیم، به این طرح ارتجاعی و سوابق آن نظر می افکنیم.

"طرح تعاونی کردن" چیست؟

آنچه که رژیم آنرا "تعاونی کردن" می نامد، نه فقط هیچ شباهتی با این موضوع ندارد بلکه کاملاً ضد تعاونی کردن می باشد. مطابق طرح کارکنان مجتمع های صنعتی بزرگ از قبیل ذوب آهن اصفهان و یا نورد اهواز، ابتدا باید اخراج شوند و پس از تصفیه حساب هر دسته ای از آنان می توانند با مشارکت یکدیگر، یک واحد تعاونی تأسیس نمایند، از قبیل تعاونی آرماتوربندها، نقاشها، جوشکارها و ... مسئولین این تعاونی ها باید به "سازمان گسترش تعاونی های تولیدی" مراجعه و بر اساس ضوابط این سازمان، خود را به ثبت رسانند. پس از اتمام کارهای حقوقی، این تعاونی ها اجازه می یابند به مثابه یک پیمانکار بخش خصوصی برای به مقاطعه گرفتن بخشی از کارها، به مسئولین مربوطه در محل کار سابق مراجعه نمایند و طرحها، و مبلغ پیشنهادی خود را برای انجام یک کار معین ارائه دهند. مدیران مجتمع با روش مناقصه با آنها طرف می شوند. هر گاه به تشخیص مدیران، پیشنهادات تعاونی بردیگر پیشنهادات برتری داشته باشد با آنها قرار داد بسته و بخشی از کار را به مقاطعه به آنان واگذار می کند.

این تعاونی ها به طور عمومی از هیچ اولویتی در برابر دیگر رقبای برخوردار نیستند. اگر چه در مرحله کنونی مدافعین این طرح فریبکارانه ادعا می کنند که مقاطعه کاران بخش خصوصی به رقابت با تعاونی های کارکنان کشیده نخواهند شد، اما هیچ تضمینی و تعهدی را از این بابت قبول نمی کنند. تجربه ای که تا کنون در اهواز و در پولاد شهر طی شده خلاف ادعای فریبکارانه مسئولین را نشان می دهد. تعاونی های کارکنان ناچارند در یک شرایط بکلی نابرابر با رقبای تجربه بخش خصوصی به مقابله برخیزند. از پیش پیداست که نتیجه این مقابله به سود بخش خصوصی خواهد بود.

برای شرکت در تعاونی کارکنان هیچ محدودیتی نیست. از نظر حقوقی برای عضویت در این تعاونی ها هیچ تفاوتی میان کارکنان اخراجی و اشخاص دیگر وجود ندارد. هر داوطلبی می تواند در این تعاونی ها عضو شود.

بنا به محاسبه دقیق کارگران، درآمد آنها از طریق کار تعاونی به مراتب کمتر از وضعیت کنونی خواهد بود. با توجه به اینکه درآمد کنونی نیز از مقدار مورد نیاز برای

حداقل زندگی کمتر است، کاهش آن غیر قابل تحمل و پذیرش است. در چنین صورتی کارگران ناچار خواهند شد برای تأمین درآمد در سطح پیشین، بر شدت و زمان کار بیفزایند. بر اساس طرح تعاونی، سرپرستی مجتمع ها هیچ مسئولیت و تعهدی در برابر اعضا و تعاونی ندارد. تعاونی ها در ظاهر با یک شخصیت حقوقی مستقل در کنار سرپرستی، به عنوان طرف قرارداد، جای خواهند گرفت. بدینگونه از پوشش بیمه، بازنشستگی، مرخصی و ... خارج خواهند شد.

از نتایج این طرح تفکیک بخشهای مختلف مجتمع و تحویل آن به پیمانکاران بزرگ بخش خصوصی خواهد بود. به علت امکانات نازل تعاونی ها از نظر سرمایه، ماشین آلات و ... رقابت آنان با پیمانکاران بزرگ غیر ممکن است. در چنین وضعیتی پیمانکاران بخش خصوصی بر همه بخشهای مجتمع مسلط خواهند شد. اجرای این طرح تولیدات را به شدت کاهش داده و از رشد و توسعه مجتمع جلوگیری می کند. تجربه نورد اهواز شاهد این مدعا است. تجربه دیگر تعاونی شدن بخش ساختمانی پولاد شهر اصفهان است. با تحمیل این طرح در پولاد شهر، کار ساختمانی تقریباً به طور کامل متوقف شد. نتیجه این شد که همه آن سرمایه های هنگفتی که صرف گسترش مناطق مسکونی کارکنان گردیده بود، بعدون بهره گیری رها شده است. کارگرانی که در زاغه های کهنه شده در دل کوه زندگانی می کنند، از دور و بیرانه های تأسیسات بیرانه شده ای نظاره می کنند که بنا بود خانه آنها بشود.

کارکنان نورد اهواز، اولین قربانیان این طرح

"تعاونی کردن" اول بار در سال ۶۰ در مجتمع فولادریزی نورد اهواز پیاده شد، که



اخراج هزاران کارگر و نامرد را در بر داشت. طراح این طرح شوم علی الظاهر، موسویانسی سرپرست این مجتمع بود، که آن را در سال ۵۹ ارائه کرد. در اواسط اسفند ۵۹ احمدزاده وزیر مشاور دولت وقت در امور صنایع فولاد، طرح موسویانسی را تأیید و تصویب نمود. بدینحال آن در خرداد ۶۰ در تدارک اجرای این طرح، مجتمع نورد اهواز را تعطیل کردند. نشریه "کار" ارگان سازمان ما در همان زمان اعلام داشت که احمدزاده و همدستانش در ارتباط با انحصارات امپریالیستی و در جهت منافع انسان این طرح ارتجاعی را پیشکشیده اند. "کار" فاش ساخت که احمدزاده از طریق مشاوران اصلیش (شیبانی، نایاب، گوشه و ...) شرکت ملی فولاد ایران را کانون زد و بند بسا انحصارات امپریالیستی و اطرافگاه کارشناسان آنها کرده است. طرح "تعاونی کردن" ریشه در چنین زد و بند هائی دارد.

نشریه "کار" در ۲۰ خرداد ۳۶۰ م تذکر شده بود، اجرای این طرح "آنچه را که توسط انقلاب زیر ضرب قرار گرفته بود، دوباره اخیسا خواهد کرد ولی این بار با شکل و شمایل سی جدید. یعنی ترمیم و گسترش روابط سرمایه داری با پوشش تعاونی ها."

بهر صورت این طرح بغایت ارتجاعی به کارکنان تحمیل گردید، مجتمع تعطیل شد و امور آن بکلی متوقف شد. مقاومت و اعتراض کارگران با کمک ارگانهای سرکوب درهم شکسته شد. چندی بعد کار در این واحد با سازماندهی تازه از سر گرفته شد. نتیجه از پیش پیداست که هزاران کارگر اخراج شدند، همه تعهدات کارخانه در برابر کارکنان لغو و آنان از همه حقوق خود محروم شدند. هم راندان و هم کیفیت کار بشدت تنزل کرد. با این وضعیت رژیم امکان یافت پای پیمانکاران و مهندسین مشاور بخش خصوصی را به مجتمع باز کند. در ادامه آن در سال جاری طرح هائی را برای دادن کارهای بیشتری به پیمانکاران و انحصارات امپریالیستی آماده اجرا کرده اند.

سوابق "تعاونی کردن" در ذوب آهن اصفهان

چند ماه پس از تحمیل این طرح به مجتمع فولاد اهواز، با همان قصد و نیت به سراغ مجتمع ذوب آهن اصفهان آمدند. در اینجا نیز با همان روش موفق شدند در زمستان سال ۶۰ در بخش ساختمانی پولاد شهر اصفهان (شهرک مسکونی کارکنان ذوب آهن) طرح تعاونی کردن را پیاده نمایند. نتیجه برابر بود. بیش از ۲۵۰۰ تن از کارگران این بخش اخراج شدند و در زمستان سخت آن سال بیکار و سرگردان ماندند و کار توسعه پولاد شهر دچار اختلال گردید.

این وضعیت حتی برای کارگزارانی که هنوز کار خود را از دست نداده بودند، به شدت نگران کننده بود. علاوه بر اینکه آنان نیز زیر شمشیر داموکلس "تعاونی کردن"، هر لحظه با خطر اخراج دائم روبرو بودند، امید خود را به یافتن سرپناهی در پولادشهر از دست دادند.

سران رژیم از این خرابکاری چنان به وجد آمدند که چند ماه بعد، در نوپستان سال ۶۱ طرح تعاونی کردن را برای غالب بخش‌های این مجتمع بزرگ پیش کشیدند. اما این بار کارگران که صاحب ناشی از تجربه تعاونی کردن بخش ساختمانی پولاد شهر را به عینت لمس کرده بودند، به شدت واکنش نشان دادند. با بالا گرفتن موج اعتراضات کارگران رژیم عقب نشست و این طرح ارتجاعی را (ظاهراً) پس گرفت.

مدیر عامل وقت کارخانه در جلسه کارکنان حاضر شد و رسماً "شایعه تعاونی کردن" را تکذیب کرد. او که همراه با نماینده امام جمعه اصفهان در این جلسه شرکت کرده بود "صد انقلاب" را منبع این "شایعه" نامید. اما برخلاف پیش‌بینی او کارگران با صراحت افشاکاری کردند و به او و نماینده امام جمعه که قصد موعظه گری داشت اجازه پرگویی ندادند. کارگران قاطعانه خواستار شدند تا این طرح برای همیشه مدفون شود.

سردمداران رژیم که به وحشت افتاده بودند به مانورهای چندی متوسل شدند. از جمله تئو چند از آنان در اصفهان در یک میزگرد تلویزیونی شرکت کردند. شرکت کنندگان در این میزگرد عبارت بودند از قائم مقام وزارت معادن و فلزات، قائم مقام وزارت کار و امور اجتماعی (دربار احمد تولکلی)، فرمانده سپاه پاسداران منطقه اصفهان و مدیر عامل کارخانه. این افراد از سویی به دفاع از طرح تعاونی کردن پرداختند و از سوی دیگر اعلام داشتند که طرح در ذوب آهن اجرا نخواهد شد. در همین میزگرد، فرمانده سپاه به تهدید کارگران مبارز پرداخت و حرکت اعتراضی کارگران را ناشی از "تحریکات کمونیست‌ها" نامید.

عقب نشینی حکومت، پیروزی بزرگ کارگران ذوب آهن بود. خشم رژیم با دستگیری عسده زبیدی از کارکنان مبارز بازتاب یافت. ایمن کارکنان را که در هدایت این حرکت اعتراضی پیروزمندان نقش بسزایی ایفا کردند، توده ای و فدائی نامیده بودند.

علاوه بر آن رژیم برای اینکه مانع مقاومت بعدی کارگران شود، وسیعاً از مهره‌های تبلیغی خود سود جست. کسانی مانند پرورش وامای کاشانی روانه اصفهان شدند و در مساجد این شهر با سوء استفاده از باورهای مذهبی مردم کوشیدند دیگر زحماتشان اصفهان را به رویا رونی با کارگران ذوب آهن بکشاند. امامی کاشانی در مسجد سید اصفهان، حرکت اعتراضی

از قطعنامه بلنوم کمیته مرکزی سازمان، در باره اوضاع سیاسی، جنبش توده ای و وظایف ما
* در وضعیت کنونی جنبش کارگری رشد یافته ترین بخش جنبش مطالباتی و اعتراضی خلق است. سرکوب خشن مبارزات حق طلبانه کارگران سیاست رسمی هیئت حاکمه است. جنبش مطالباتی و اعتراضی توده کارگران گسترش و عمق می یابد. خواستهای این جنبش عمدتاً اقتصادی است و در آمیخته با آگاهی سیاسی و طبقاتی دنبال میشود. اشکال عده مبارزه کارگران عبارتند از اعتصاب، هم کاری و انبوه اعتراضات دسته جمعی. تشکلهای کارگری تغییر شکل می یابند و بر شرایط تازه منطبق میشوند. تشکلهای طنی، سندیکاها و شوراهای هیاتهای نمایندگی، تعاونیهای کارگری در گسترش مبارزه توده کارگران نقش اساسی دارند. هسته های مخفی فعالین کارگری در رهبری مبارزه کارگران نقش برجسته ای می یابند و هدایت بسیاری از تشکلهای طنی، سندیکاها و شوراهای اتحادیه های تعاونی را بر عهده می گیرند. ایجاد هسته های مخفی متشکل از فعالین جنبش کارگری در واحدهای تولیدی برای رهبری مبارزه توده ای کارگران هر روز اهمیت بیشتری کسب میکند. جنبش توده ای کارگری میدان اصلی فعالیت انقلابی سازمان است و سازماندهی و ارتقاء جنبش کارگری در صدر وظایف آن قرار دارد.

کارگران ذوب آهن را "مقابله با امام زمان" نامید و آنان خواست تا هر چه زودتر توبه کنند! سخنان شیادانه رئیس دیوان عدالت اداری جمهوری اسلامی با تمسخر کارگران رو بسر و گردیده بود.
علیرغم یای و ه های سران رژیم، کارگران با استواری به مخالفت با این طرح ادامه دادند. بدانگونه که تا مدت ها دیگر در کارخانه سخنی از این طرح به میان نیامد.

اعتصاب آغاز می شود

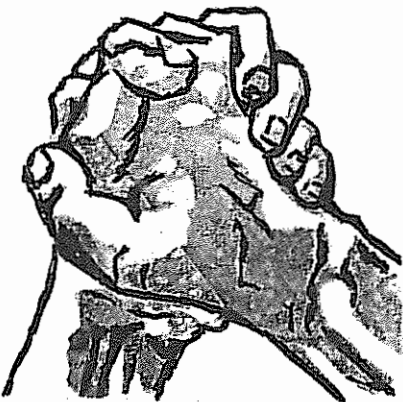
پس از دو سال، در سال جاری یکبار دیگر نغمه شوم تعاونی کردن از دهان مسئولین کارخانه شنیده شد. و بالاخره در روزهای پایانی ماه گذشته سرپرستی تصمیم خود را دایر بر آغاز اجرای طرح تعاونی اعلام داشت. انتشار این خبر موج گسترده ای از اعتراض برپا کرد. حرکات اعتراضی کارگران، مسئولین را وادار ساخت تا نمایندگان کارکنان به مذاکره بنشینند.

هیئت نمایندگی کارکنان (متشکل از چهار مرد و بیست زن) در گفتگو با سرپرستی، به نحوی مستدل ثابت کرد که این طرح ارتجاعی بوده و باید کمال یکن تلقی شود. نتیجه مذاکرات چنین شد که سرپرستی پذیرفت بار دیگر طرح را با توجه به اعتراضات کارکنان مورد بررسی قرار دهد. نمایندگان کارکنان اخطار کردند که تا روز پنجشنبه ۸ آذر تصمیم مدیریت مبنی بر لغو طرح باید اعلام شود. مذاکره با این قرار به پایان رسید. البته حرکات اعتراضی کارگران پس از این مذاکرات نیز هم چنان ادامه یافت.

در روز ۷ آذر - یک روز پیش از تاریخی که برای اعلام لغو نهائی طرح مقرر شده بود - ارگان های سرکوب مبادرت به دستگیری نمایندگان کارکنان و تجدادی از فعالین این حرکت اعتراضی کردند. دستگیر شدگان را بلافاصله روانه زندان نموده و وحشیانه تحت شکنجه قرار دادند. برخی از آنها را چنان شکنجه نمودند که بناچار در بیمارستان های شهر بستری شدند.

خبر دستگیری و شکنجه به سرعت در واحدهای مختلف این مجتمع پیچید. کارگران با خشم و انکس نشان داده و قاطعانه بر ادامه مبارزه پای فشردند. در روز شنبه ۹ آذر اعتصاب کامل یکپارچه و فراگیر گردید. استنادارود دیگر مقامات استان که برای وادار ساختن کارگران به شکستن اعتصاب به محل کارخانه آمده بودند، ره بجائی نبردند. بهانه همیشگی سران رژیم دال بر شرایط جنگی کشور و منع اعتصاب، به حربه زنگ زده ای مبدل شده است. کارگران استان را با تمسخر بازگرداندند.

در پی آن، علاوه بر اقدامات ارگانهای سرکوب و دیگر اقدامات مسئولین که در شماره قبل آورده بودیم، مدیریت به رانندگان سرویس ها دستور داد تا از آوردن کارگران به محل مجتمع خودداری نمایند. اما این توطئه نیز عقیم ماند. رانندگان در هماهنگی با کارکنان اعضای به کار ادامه دادند و اعتصاب در محل مجتمع هم چنان با یکپارچگی ادامه یافت. در این مرحله بود که بنا به اخبار واصله رژیم برای مرعوب ساختن کارگران به سفاکانه ترین جنایت دست یازیده و ده تن از کارکنان زندانی را در محوطه کارخانه تیرباران نمود. به این ترتیب این اعتصاب سرسختانه را به خون کشید. اما نتوانست کارکنان را به تسلیم بکشاند. بنا به آخرین گزارشات در هفته گذشته نیز حرکات اعتراضی کارکنان به اشکال مختلف ادامه یافت. رزم بر شوه پولادگران قهرمان و دیگر کارکنان ذوب آهن اصفهان به مثابه ورق زرینی در تاریخ جنبش کارگری ایران ثبت خواهد شد و نشانه توانمندی طبقه ای است که طومار حاکمیت مرتجعین را برای همیشه در خواهد نوردید.



مسأله گرسنگی در جهان امروز

بقیه از صفحه اول

شماره "اکثريت" درج می کنیم. این مقاله تحت عنوان "مسأله گرسنگی در جهان امروز" در نشریه Horizon منتشر گردید.

در تاریخ جهان، هیچ ملت و هیچ تمدنی از گرسنگی در امان نبوده است. شرح همبستگی گرسنگی را برکتیبه های بین النهرین، در تراژدیهای شعرای یونان قدیم، نوشته های عقلای چینی و مورخان رومی، در تاریخ اروپای قرون وسطی و افسانه های قبایل آفریقایی می توان یافت. گرسنگی، در هم با ریش از بیماریهای بسیار و آگیرد ارو بلایای طبیعی، چنان انسانها را به قربانی گرفته است. در طول قرنهای تکامل تمدن، ابعاد گرسنگی نه تنها کاهش نیافته، بلکه برعکس، با شتاب افزایش یافته است. در مقیاس جهانی، رشد پیوسته نیروهای مولده، نتوانسته است مبرمترین نیازهای بشر در زمینه تغذیه را برطرف سازد. از این رو، طبیعاً این پرسش مطرح می شود که آیا باید گرسنگی را پدیده ای قلمداد کرد که چیزی از طبیعت جامعه بشری، و ضرورتی طبیعی و اجتناب ناپذیر، همانند مرگ است، و یا اینکه این معضل، یک نابسامانی اجتماعی و "حاصل خود جامعه" است؟ به فاکتورها نظر افکنیم.

بعد و عواقب گرسنگی

در نگاه نخست، علت خاصی برای نگرانی وجود ندارد. بعنوان نمونه، تولید جهانی مواد غذایی پس از جنگ جهانی دوم همواره مسیر پایدار صعودی داشته است. تنها در دهه اخیر، تولید ذرت و گندم در جهان ۵۰ درصد و تولید برنج ۲۳ درصد افزایش یافت. مهمتر از این، رشد تولید مواد غذایی چندین برابر پیش از رشد جمعیت روی زمین است. در دهه ۶۰ و ۷۰، در کشورهای غیرسوسیالیست، در برابر ۲/۸ درصد رشد تولید مواد غذایی، جمعیت ۱/۸ درصد افزایش یافت.

در نتیجه، مطابق آمار سازمان ملل متحد، در آغاز سالهای هشتاد تنها تولید غله جهان (که البته باید تولیدات دیگر نظیر گوشت و ماهی و غیره را افزود) برای تأمین ۳ هزار کیلو کالری در روز برای هر انسان کفایت می کرد. این مقدار نیازهای بیولوژیک انسان، که معادل ۲۴۰۰ کیلو کالری است، بسیار بیشتر است.

آیا این بدان معناست که می توان مسأله گرسنگی را حل شده پنداشت؟ متأسفانه، واقعیت اوضاع بر روی کره زمین، خلاف این را نشان می دهد. اگر بخواهیم بازم به آمار سازمان ملل مراجعه کنیم، می بینیم که امروزه

آمریکای لاتین، ۲۵ درصد آفریقایی ها و ۲۸ درصد آسیایی ها، روزانه کمتر از ۲۲۰ کیلو کالری یعنی کمتر از حد اقل لازم برای تأمین فعل و انفعالات لازم شیمیایی در بدن انسان، صرف می کنند.

در ارتباط با جنبه کیفی تغذیه، بویژه مصرف پروتئین، وضع از این هم بدتر است. دانش پزشکی، میزان نیاز انسان به پروتئین را بین ۸۰ تا ۱۰۰ گرم در روز تعیین کرده که باید ۵۰ گرم آن، پروتئین حیوانی باشد. مصرف پروتئین در کشورهای رشد یافته، تنها ۱۸ درصد این میزان و مصرف پروتئین حیوانی، ۱۹ درصد مقدار لازم است. در میلیارد انسان در کشورهای رشد یافته، تنها یک پنجم مقدار گوشتی راه یک میلیارد نفر در کشورهای پیشرفته سرمایه داری می خورند، صرف می کنند.

افسانه ها و واقعیات در باز توزیع مواد غذایی

به نظری رسد راه حل مسأله جهانی تغذیه روشن است. کافی است ما زادبهر احتیاج را از کشورهای غنی بگیریم و به فقرا بدهیم. چنین روندی عملاً در جریان است و شتاب فزاینده ای می یابد. یک گواه این امر، تحول واردات غله کشورهای در حال رشد است. در دهه گذشته اینگونه واردات بیش از دو برابر افزایش یافته و به مرز ۱۰۰ میلیون تن در سال نزدیک شد. واردات غله از کشورهای پیشرفته سرمایه داری تا حد معینی از شدت بحران مواد غذایی می گاهد، اما نباید عوارض جنبی بسیار جدی این پدیده را از نظر برداشت.

اولاً وارد کردن مواد غذایی، برای کشورهای در حال رشد میلیارد ها دلار و درآینده دهها میلیارد دلار خرج دارد. این برای بسیاری کشورها، که فاقد امکانات گسترده مالی هستند، به معنای محدودیت شدید واردات تکنیک مدرن، افزایش بدهی به خارج و در نتیجه کاهش اساسی شتاب رشد اقتصادی است. البته می توان گفت که بخش معینی از صادرات مواد غذایی، در چارچوب کمک غذایی با شرایط مناسبی انجام می گیرد. اما در سالهای اخیر، سهم اینگونه صادرات در جمع کل صادرات کشاورزی کشورهای سرمایه داری کاهش شتابانی یافته است.

یک نمونه بارز در این زمینه، سیاست تجارت خارجی ایالات متحده است. اوایل دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰، هنگامی که تقاضا برای غله در جهان هنوز نسبتاً پایین و ذخیره دولتی "غله اضافی" در ایالات متحده زیاد بود، سهم کمک غذایی در صادرات کشاورزی آمریکا به ۲۵ تا ۳۰ درصد رسید. وقتی در نیمه اول دهه ۷۰، قیمت غله در بازار جهانی با سرعت افزایش یافت، این سهم بطور محسوس رو به کاهش گذاشت و در سال ۱۹۸۰، به ۳ درصد رسید.

حدود ۴۵۰ میلیون نفر، یعنی از هر ۱۰ نفر یک تن، جزو گرسنگان مزمن به حساب می آیند و ۱/۳ میلیارد انسان غذای کافی در اختیار ندارند. این ارقام وقتی تا سقف بیشتری پیچ می انگیزد که در نظر او ریم در دهه ۵۰ شمار گرسنگان مزمن ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر بود.

در حال حاضر، سالانه بر اثر سوء تغذیه، ۵۰ میلیون انسان، یعنی به تعداد کشته شدگان جنگ جهانی دوم، می میرند. گرسنگی در وهله اول ضعیفترین هارا قربانی می کند؛ کودکان، سالخوردهگان و زنان. در هر ۱۵ دقیقه ۴۱۵ کودک زیره سال بر اثر گرسنگی جان می دهند.

در ظاهر چنین می نماید که بشریت در آن واحد، درد و سمت مخالف در حرکت است. از یک سو، افزایش مواد غذایی، بالا رفتن بازده تولید کشاورزی و ایجاد ذخیره غذایی، و از سوی دیگر، در بخشهایی از جهان، کمبود فزاینده مسوود غذایی و افزایش شمار گرسنگان مزمن و بحرانهای غذایی به چشم می خورد.

برای روشن شدن جوانب مسئله گرسنگی، باید اوضاع کشورهای در حال رشد را که بیش از همه از کمبود مواد غذایی رنج می برند، دقیق تر مورد بررسی قرار دهیم. در بسیاری از این کشورها، مسئله تغذیه برای میلیونها انسان یک مسئله مرگ و زندگی، و در نتیجه مسئله ای در ارتباط با ثبات سیاسی، امنیت و های اقتصادی، سمت گیری اجتماعی و اصول اساسی سیاست داخلی و خارجی است.

با آنکه بیش از سه چهارم جمعیت جهان غیر سوسیالیست را مردم کشورهای در حال رشد تشکیل می دهند، سهم آنها در تولید غله تنها یک سوم و در تولید گوشت یک چهارم رقم کل است. این عدم تناسب آشکار میان ارقام فوق، عواقب فوق العاده محسوس برای مردم کشورهای در حال رشد به همراه دارد. ۱۳ درصد اهالی



ثانیا، صادرات مواد غذایی، اغلب از سوی کشورهای سرمایه داری و بویژه ایالات متحده آمریکا، بعنوان ابزار اعمال فشار سیاسی به کار گرفته می شود. بیاد بیاوریم که کمک غذایی آمریکا به مصر در سالهای آخر حکومت پرنسپال عبدالناصر، که در خا و رزندیك مشی مستقلی در پیش گرفته بود، همزمان با سایر اشکال کمک به این کشور، قطع شد. زمانی که انورالسادات رئیس جمهور جدید سیاست کشورش را تغییر داد، دروازه ها را بسته روی سرمایه آمریکایی گشود و قرارداد جداگانه ای با اسرائیل منعقد کرد، صادرات مواد غذایی با تخفیف مربوطه به مصر از سر گرفته شد.

چند نمونه دیگر از این گونه، بدین قرار است: هنگامی که نمایندگان رسمی هند علیه بمبارانهای آمریکا در ویتنام موضع گیری کردند، کمک غذایی ایالات متحده به این کشور سریعاً کاهش یافت. سیلان سابق نیز به همین ترتیب بخاطر ملی کردن شرکت های نفتی آمریکایی "مجازا" شد. این سیاست در سالهای اخیر نیز ادامه یافته است. واشنگتن دست به "تحریم غذایی" ویتنام زد. همچنین دولت ریگان به علل سیاسی صادرات مواد غذایی به موزامبیک و نیکارا گواشه را قطع کرد.

در عین حال، صادرات مواد غذایی غرب، برای "تقویت" رژیم های دیکتاتوری و ارتجاعی در کشورهای در حال رشد استفاده می شود. بخش بزرگی از غله آمریکا، به هیچ وجه به آن مناطقی از جهان که بیش از همه به آن نیاز دارند، صادر نمی گردد، بلکه به وابستگان واشنگتن مانند کره جنوبی و شیلی تحویل داده می شود.

ثالثاً - و این امر به نظر ما اهمیت فوق العاده زیادی دارد - صد و مواد غذایی بکشورهای جوان در حال رشد، عادات و رسوم تغذیه در این کشورها و نیز در بسیاری موارد کشاورزی آنها را تحت تاثیر مخرب خود قرار می دهد. تولید کنندگان محلی محصولات کشاورزی، که قادر به رقابت با مجتمع های قدرتمند کشاورزی صنعتی غرب نیستند، به ورشکستگی کشیده می شوند. آنها با ترک روستای خود و مهاجرت به شهرها، به صفوف لومین پرو لتاریا می پیوندند. بعنوان نمونه، صد و غله آمریکایی به هند، به تولید کنندگان در این کشور لطمه شدیدی وارد ساخته و الگوی مصرف را به سود صادرات کنندگان آمریکایی تغییر داد. در ترکیه، اینگونه صادرات به دامپرووری لطمه زد، در نوزولا تولید ذرت و سبزیجات و در لیبیا کشت برنج را تحت تاثیر منفی قرار داد. نمونه کلیبیا در این زمینه بسیار برجسته است. در این کشور در عرض کمتر از دو دهه محصول گندم تا ۶۹ درصد کاهش و واردات آن ۸۰۰ درصد افزایش یافت، به گونه ای که تقاضای بازار داخلی، تا ۹۰ درصد توسط غله وارداتی پوشانده می شود.

بدین ترتیب، صد و مواد غذایی اغلب

مانع تولید محلی شده و از این طریق، از لحاظ دراز مدت مساله مواد غذایی را شدیدتر هم می کند. اینگونه صادرات، نوعی مخدر است که در دراز مدت برای مدت کوتاهی بر طرف می سازد. بنابراین روشن است که صد و همواره غذای تنهایی تواند و سیله موثری برای رفع موقعیتهای معین بحران شدید مانند خشکسالی، فجایع طبیعی و غیره باشد و نه بیشتر.

زدست دانهش و تکنیک چه برمی آید؟

تا آنجا که به جوانب فنی حل مساله تغذیه مربوط می شود، بیش از هر چیز باید تاکید کرد که تکنیک کشاورزی پیشرفته کنونی قادر است مناطق گسترده بهره برداری نشده کشورهای رشد یافته را وارد دایره تولید اقتصاد نماید. در حال حاضر، در آفریقا و آمریکای لاتین، کمتر از ۲۰ درصد اراضی بالقوه مزروعی زیر کشت قرار دارد (این رقم در اروپای غربی ۸۸ درصد است). علاوه بر این، زمینهای زیر کشت کشورهای در حال رشد واقع در مناطق مساعد تجزیه فیزیکی نیز، می تواند بسیار بیش از مقدار کنونی مواد آلی تولید کند.

در اغلب موارد، امکان موفقیت زمانی بیشتر است که به جای گسترش زمینهای زیر کشت، از فضاهای زیست موجود، استفاده بیشتری به عمل آید. آزمایشهایی که در چندین کشور آفریقای انجام گرفته، نشان می دهد که کنترل برنامه ریزی شده و ذخایر و جوش بسیار مفید تر است تا دامداری معمولی. مثلاً در کنیا، در هر کیلو متر مربع چراگاه به طور متوسط ۲/۸ تن گوشت گاو در سال تولید می شود، در حالیکه در دشتهای طبیعی تانزانیا، منطقه ای به همین وسعت ۶/۵ تا ۱۲ تن گوشت حیوانات سم دار وحشی به بار می آورد.

افزایش محصول متوسط جهانی در واحد سطح، تا حد موجود در پیشرفته ترین کشورها، به معنای افزایش تولیدات کشاورزی به میزان سه تا چهار برابر خواهد بود، به گونه ای که با آن بتوان تغذیه کامل لاق ۱۰ میلیارد انسان را تامین کرد. و اگر بتوانیم از همه دستاوردهای پیشرفت علمی - فنی را در عرصه کشاورزی به کار گیریم، اراضی موجود قادر خواهد بود غذای دهم میلیارد انسان را تضمین نماید.

اما بگذریم از فرآیندهای چنین چشم



اندازه های امید بخشی که پیشرفت علمی - فنی به روی ما می گشاید، به سطح واقعیات امسروز پایین بیاییم. حل علی مساله مواد غذایی تنهایی تواند با درگرو نیهای بنیادی اجتماعی در کشورهای رشد یافته عملی شود.

در این رابطه پیش از هر چیز باید جنبه مالی مساله اشاره کرد. در ژاپن، در هر هکتار زمین کشتا و رزی ۲۰ بار بیشتر از هکتار رزی و ۳۰ بار بیشتر از کود شیمیایی مصرف می شود. و این تنها مخارج جاری است. مخارج لازم برای احیای باروری زمین که بر اثر ابتدایی بودن شیوه تولید، در طول سالها، آسیب دیده است، در ایسن بررسی منظور نشده است.

باور کردن زمینهای جدید، نیازمند منابع مالی عظیم است. برابر محاسبات دانشمندان آمریکایی، برای دایر کردن زمینهای موات، در کشورهای رشد یافته باید مخارجی معادل ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار برای هر هکتار متحمل شد. دایر کردن همه زمینهای مساعد واقع در مناطق حاره، نیازمند ۵۰۰ الی ۱۰۰۰ میلیارد دلار است.

اولویت اصلاحات کشاورزی و برنامه ریزی

روشن است که مساله ای با ابعاد به این گستردگی را غیر ممکن است بتوان تنها با کمک خارجی حل کرد. برای حل ریشه ای و وضع کشتا و رزی در کشورهای رشد یافته لازم است که اولویت های رشد اقتصاد بررسی شود، تجدید تو زیع همه جانبه منابع داخلی انجام گیرد، مجموعه کاملی از مسایل در زمینه راه سازی حل گردد، کاد رهای متخصص آموزش یابند و رشته های اقتصاد ای در ارتباط با کشتا و رزی، تدریس شود. این همه، بدون بخش نیرو مند و لتی، برنامه ریزی مرکزی و اصلاحات بنیادین کشتا و رزی با سمت گیری به سوی تعا و نیهای دهقانی غیر ممکن است.

یک امکان دیگر، برگزیدن راه رشد متغوات تولید کشتا و رزی، یعنی تقویت واحد های بزرگ سرمایه داری در بخش کشتا و رزی است، واحد هایی که منابع مالی و امکانات فنی لازم برای مدرنیزه کردن کشتا و رزی را در اختیار داشته باشند. اما بزرگ مالکان، همیشه به گسترش تولید علاقه ندارند. مثلاً در آمریکای لاتین، تنها ۱۴ درصد اراضی متعلق به زمین داران بزرگ زیر کشت است. علاوه بر این، مزارع بزرگ خصوصاً به هیچ وجه صرفاً به تولید محصولات لازم برای مصرف داخلی نمی پردازند، بلکه اغلب، محصولات را در نظر دارند که امکانات مناسب برای صادرات آنها موجود و تقاضای آنها در بازار جهانی بالا باشد. از این طریق، کشت محصولاتمانند قهوه، کاکائو، سویا، بادام زمینی و نیشکر به ضرر محصولات ضروری غذایی و ضرر سطح تغذیه مردم محلی افزایش می یابد.

بخوان نمونه در ۵۶ درصد زمینهای زیر کشت غنا، کاکائو کاشته اند. در ۲۰ درصد



برنامه ریزی زیروبنایی

خامنه ای :

" امروز باید طلاب تربیت کرد، امروز باید مدرسه های دینی جدید در هر جای کشور و حوزه های علمیه با بهترین وجهی تقویت شوند و توسعه یابند. به فضلا و مجتهدین و حتی کسانی که به حد اجتهاد نرسیده اند به میزان زیادی احتیاج است. برای تدوین قوانین اسلامی، برای تدوین کتب درسی در دانشگاهها، برای پیشبرد کارهای تحقیقی و آموزشی و تبلیغ در مدارس و شهرها و روستاهای کشور به اشخاصی که فقه اسلامی را بدانند احتیاج زیادی وجود دارد. بنا بر این تربیت طلاب جوان از واجب ترین کارهاست و باید با برنامه ریزی و بسیار دقیق صورت گیرد و این از کارهای بلند مدت زیر بنایی کشور است."

(اطلاعات - ۲۰ آبان)

"پیاده نظام" های زرنگ

بخشهایی از یک نامه :

"... چند هفته پیش به اتفاق یکی از دوستان از جنوب به سمت تهران حرکت می کردیم. به قم که رسیدیم گفتیم يك آخوند را سوار کنیم تا ببینیم اوضاع از چه قرار است. دم پل آهنی يك آخوند حد و دایه ۵۰ ساله دست بلند کرد. سوارش کردیم. داخل ماشین که شد به او گفتم: حاج آقا پس بنزت کسو؟ خنده ای کرد و گفت: "من جزو پیاده نظامم" یا تعجب پرسیدم یعنی چه؟ گفت: "آخوند-ها دو دسته اند: يك دسته آنهايي هستند که دستشان به جایی بند شده و با اصطلاح جزو دولتمردان هستند و بنز ضد گلوله زیر پايشان است و کروفر و بروبایی دارند، بسه آنها می گویند سواره نظام. يك عده مثل این حقیر سرشان بی کلاه مانده به امثال ما می گویند پیاده نظام!"

به این تقسیم بندی خیلی خندیدیم خود حاج آقا هم مرتب ریس می رفت. با او گرم گرفتیم. تجسم واقعی آن اخلاقیاتی بود که رژیم بر آن مارک اسلامی زده است. می گفت در این پلبشو آدم باید موقح شانس و فرصت - طلب و به قول خود شاهل تقيه باشد در این مورد مثال جالبی زد: ماجرای قطع آب منزلش را. برایمان تعریف کرد: "آدم باید توی این مملکت زرنگ باشد. مدتی پیش چون پول آبمان را نپرداخته بودیم،

آب منزلمان را قطع کردند. رفتیم سازمان. مرابه يك جوانکی معرفی کردند که در نگاه اول فهمیدم حزب اللهی است. به او گفتم برادر! این شد رسم روزگار؟ من رفتم بودم جبهه! هفت هشت باز نزدیک بود شریعت شهادت بنوشم. آنوقت شما در غیاب من آمده اید آب منزل مرا که يك روحانی و يك شهید زنده هستم قطع کرده اید؟ جوانك حزب اللهی خیلی متاثر شد و گفت بهتر بود به ما اطلاع می دادید. ما نمی دانستیم شما يك روحانی و يك رزمنده اسلام هستید! حالا مهم نیست بروید پیش آقای رئیس، مشکل حل می شود. رفتیم پیش آقای رئیس از همان دو سه دقیقه سلام و علیک فهمیدم طرف ضد انقلاب است. با خنده گفت: چی شده حاج آقا؟ کنارش نشستم و جریان را به او گفتم. از صحبتهايش نظم تبدیل به یقین شد. به او گفتم: آقای رئیس! من خودم ضد انقلابم. آنوقت شما آمده اید آب منزل ما را قطع می کنید؟ خیلی خوش آمد. فوراً دستور داد بیایند آب منزلمان را وصل کنند. ده شاهی هم بابت پول معوقه از من نگرفتند. آدم باید کله اش در این مملکت کار کند. ما در این جور کارها خیلی خیره ایم!"

ارث خرس به کفتار می رسد

تبصره ۹۵ لایحه بودجه سال ۶۴ :

" وزارت سپاه پاسداران انقلاب مکلف است ساختمانها و تاسیسات حفاظتی منتقله از ساواک منحل را به وزارت اطلاعات واگذار نماید. نحوه انتخاب و چگونگی واگذاری ساختمانها و تاسیسات حفاظتی فوق الذکر، بر اساس دستور العمل پیشنهادی وزارت اطلاعات و تصویب هیات وزیران خواهد بود."

(اطلاعات - ۱۰ آذر)

تناسب ارقام

مخبر کمیسیون اصل ۹۰ در مجلس :

" با عنایت به این که ستون فقرات تشکیلات قانون گذاری کشور جمهوری اسلامی مجلس می باشد، بطور اجتناب ناپذیر ایجاب می نماید تا از طریق کمیسیون اصل ۹۰ که متشکل از برگزیدگان همین مجلس است، فرد فرد ملت ایران در قبال قانون شکنی و عدم احساس مسئولیت تعدادی انگشت شمار از مامورین و مسئولین اجرایی و قضایی مملکت حراست شوند. در طی چهار سال متجاوز از یکصد و ده هزار فقره شکایت بسه کمیسیون واصل شده است..."

(اطلاعات - ۷ آذر)

زمین از آن چه کسانی است؟

" ما از سخنان نخست وزیر، وزیر کشاورزی و وزیر جهاد سازندگی اینطور برداشت کرده ایم که زمین از آن کسانی است که

در سالهای گذشته واقعا روی آن کار کرده اند حال این زمین می خواهد هکتار باشد یا ۱۰۰ هکتار یا بیشتر!"

(مجله کشاورزی) - تیر ۶۳

وحشت در کلاسهای درس

حجت الاسلام گنجی :

" يك روز، در پایان جلسه انجمن اولیا و مربیان یکی از مدارس راهنمایی دخترانه دیدم ما در یکی از دانش آموزان که علی الظاهر نیز چندان مذهبی به نظر نمی رسید آمد خدمت یکی از خواهران معلم دینی و شروع کردند از آن خواهر تنها و خواهش کردن که دیگر در کلاس درستان در مورد جن و شیطان صحبت نکنید! خواهر معلمه با تردید و تعجب پرسید آخر به چه دلیل؟ مادر دانش آموز عنوان کرد که از موقعی که شاعر این باره صحبت کرده اید، دخترم دچار ترس و دلهره شده، دائما اظهار نگرانی و ترس می کند!"

(اطلاعات - ۱۱ آذر)

يك مهاجر جنگی نیز در زیر چادر زندگی نمی کند!

نماینده اهواز در مجلس

" در بیشتر شهرکها، حتی در شهرهای بزرگ می بینیم هشت نه نفر از يك خانواده همه در يك اتاق ۲ در ۳ زندگی می کنند. حالا منهای چادرهای راهبرمز و شهرک بلال که متاسفانه آقایان آمده اند پشت تریبون مجلس و گفته اند که ما يك نفر مهاجر نداریم که در زیر چادر زندگی کند. همین الان اگر شما بسه شهرک بلال در راهبرمز مراجعه کنید، می بینید که در حدود ۱۴ هزار نفر زیر چادر، با استقامت کامل (!) زندگی می کنند"

(اطلاعات - ۳ آبان)



توضیح

در نشریه شماره ۳۵، در مقاله "پیرامون حادثه اخیر دانشگاه برلین" صفحه ۴ ستون ۳ سطر ۱۰ به جای کلمه "منسوبین"، مسئولین چاپ شده است. بدین وسیله تصحیح می شود.

جوانان کمونیست - بنگلادش، سرکوب و اختناق در ایران را محکوم می کنند

هیچد همین کنفرانس اتحادیه دانشجویان بنگلادش در روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر در محوطه دانشگاه داکا در فضای سرشار از شو رو هیجان برگزار شد. این کنفرانس در حالی برپا گردید که حزب حاکم بنگلادش که اخیراً به توسط ژنرال ارشاد، دیکتاتور نظامی این کشور، تاسیس شده است، از طرق مختلف می کوشد سازمان جوانانی برای خود دست و پا کرده و فضای سیاسی دانشگاه های بنگلادش را زیر سلطه خود درآورد.

در روز آغا کنفرانس جوانان بسیاری، گروه گروه از نقاط مختلف بنگلادش، به سوی دانشگاه داکا رو آوردند. کنفرانس، با سخنرانی رییس اتحادیه آغاز شد و سپس پیام های سازمان های جوانان و دانشجویان از کشورهای مختلف قرائت گردید.

سازمان جوانان فدایی ایران (اکثريت) که برای شرکت در کنفرانس دعوت شده بود - برای این کنفرانس پیامی فرستاد. در این پیام ضمن آرزوی موفقیت برای کنفرانس، گوشه هایی از اختناق و سرکوب موجود در ایران بویژه در رابطه با جوانان و دانشجویان بارگوشه شده بود. این پیام توسط یکی از رفقای بنگالی قرائت شد و موجی از شعار دربار - سرانجام همبستگی با سازمان ما و حزب توده ایران در پی

آورد.

در جلسه پایانی کنفرانس قطعنامه ای در رابطه با سرکوب و اختناق در ایران به تصویب رسید که در آن گفته شده است:

" ما شرکت کنندگان در هیجدهمین کنفرانس ملی اتحادیه دانشجویان بنگلادش، که در روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر ۱۹۸۴ در شهر داکا برگزار گردید، اقدامات ضد دموکراتیک رژیم حاکم بر ایران و شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی بویژه اعضای حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) را محکوم می کنیم.

ما همبستگی خود را با خلق قهرمانان ایران بویژه رفقای رزمنده حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) اعلام نموده و خواهان آنیم که:

۱ - جنگ ایران و عراق فوراً خاتمه یابد.
۲ - به شکنجه و اعدام همه زندانیان سیاسی آزاد یخواه ایران پایان داده شود.
۳ - اخراج دانشجویان و استادان ترقیخواه از دانشگاه های ایران متوقف گردد.
۴ - به سرکوب و وحشیانه خلق کرد در ایران پایان داده شود.

۵ - یک هیات مترقی بین المللی شامل وکلای پزشکان اجازه یابند وضعیت زندانیان و زندانیان سیاسی در ایران را بازرسی نمایند.

جوانان کارگر سوسیالیست آلمان: به سرکوب نیروهای انقلابی در ایران پایان دهید!

قرائت کردند. در قسمتی از پیام جوانان فدایی خلق (اکثريت) در آلمان فدرال آمده است:

" در کشور ما جوانان خود را رودر روی رژیم قرون وسطایی می بینند که با هر آنچه برای جوانان به معنای آینده و امید است خصوصاً می ورزد. چهار سال است جنگ ایران و عراق ادامه دارد و به قیمت جان صدها هزار انسان جوان تمام شده است... (جوانان ایران) از کار، آینده و امید در میهن خود محرومند... در پیام مزبور، سپس به مبارزه جوانان ایران در راه اهداف آزادیخواهانه و انقلابی اشاره شده است.

سپس پیام جوانان توده ایران، در آلمان فدرال قرائت شد و به دنبال آن یکی از مسئولین " اس. د. آ. ا. " پشت تریبون قرار گرفته و ضمن تاکید بر خواست جوانان انقلابی آلمان فدرال مبنی بر پایان دادن به سرکوب و کشتار جوانان و نیروهای انقلابی در ایران، گفت: " من از سوی کنفرانس سازمان خود، صمیمانه ترین همبستگی با مبارزان تحت سرکوب در ایران و خارج ایران را اعلام می دارم. ما با تمام قوا در کنار شما ایستاده ایم. " نمایندگان کنفرانس، با ابزار احساسات شدید و با شعار زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی، از این سخنان استقبال کردند.

در روزهای سوم و چهارم نوامبر، هشتمین کنفرانس منطقه ای سازمان جوانان کارگر سوسیالیست آلمان (S.O.D.A.J.) در ناحیه راین لند و استالین در شهر ورو پرتال برگزار شد.

" اس. د. آ. ا. " سازمان جوانان انقلابی سوسیالیست است که نقش مهمی در جنبش جوانان ترقیخواه و جنبش کارگری آلمان فدرال ایفا می کند. این سازمان در کنار حزب کمونیست آلمان، در صدد مقدم مبارزان جنبش در راه صلح و دموکراسی در این کشور قرار دارد.

کنفرانس منطقه ای " اس. د. آ. ا. " در راینلند و استالین، در وهله اول به ارزیابی فعالیت این سازمان در جنبش صلح و جنبش " ۳۵ ساعت کار در هفته " اختصاص یافت. همچنین ابزار همبستگی با خلقهای که در سراسر جهان علیه امپریالیسم و متحدین آن به نبرد برخاسته اند، از موارد دیگر دستور کار کنفرانس بود. در این کنفرانس نمایندگان از برخی سازمان های جوانان کشورهای مختلف نیز حضور داشتند. از جمله نمایندگان جوانان توده ای

و جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) در آلمان فدرال، در کنفرانس مزبور شرکت داشتند و هر یک پیامی خطاب به کنفرانس

مسأله گرسنگی

بقیه از صفحه ۱۱

اراضی کشاورزی سنگال، با دام زمینی کشت می کنند. کشورهای حوزه کارائیب، که با اوضاع بسیار دشواری در زمینه مواد غذایی روبرو هستند، شکر و میوه به مقداری تولید می کنند که چند برابر بیش از نیاز داخلی است. در برزیل، در ۱۰ سال اخیر تولید مواد غذایی جمعا ۶۸ درصد افزایش یافت، اما از صرف آن ۶ درصد کاسته شد.

گذشته از این، کمک به رشد مزارع بزرگ خصوصی بطور اجتناب ناپذیر به فقرا فشار و سبب هفتمی و در نتیجه تشدید ششستگان تضادهای اجتماعی می انجامد. تعداد هر چه بیشتری از دهقانان مجبوری شوند زمینهای خود را به بزرگ مالکان فروخته و در شهرها امکانات دیگر مراعات را جستجو کنند. صنایع و صنوف شهرها، قادر نیستند همه این انسانها را جذب کنند. و از این رو، بخش بزرگی از آنها به ارتش بیگاران و لولومین پروتاریا که بدون آنها نیز به اندازه کافی بزرگ است، می پیوندند. این اقشار، با سرنگین " شهر نشین شدن " به صورت ناموزون را در نظام سرمایه داری به دوش می کشند.

همین امروز نیز، شهرهای " جهان سوم " در حال خفه شدن در زیر بخش در حال انفجار خدمات، تجارت و کسب خرد پا، گدایی و زندگی انگلی هستند. این پدیده ها، در پیوند بلافصل با راه رشد سرمایه داری قرار دارد. ادامه این راه، به تشدید مجموعه تضادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که کشورهای رشد یافته با آن دست و پنجه نرم می کنند، می انجامد. از این رو، به نظر نمی رسد بتوان ادعا کرد راه سرمایه داری خصوصی، چشم اندازی برای حل مسأله غذایی در کشورهای در حال رشد می گشاید.

بنابراین، حل دراز مدت و پیگیر مسأله تغذیه تنها به صورت دگرگونی مجموعه مناسبات میان انسان و طبیعت، برپایه تحولات عمیق اجتماعی و گذار به مالکیت اجتماعی ابزار تولید امکان پذیر است. از این رو، همانگونه که مارکس در جلد سوم " سرمایه " نوشت، " تنها در شرایط حاکمیت مناسبات نوین اجتماعی " تولید کنندگان منفرد می توانند به این مبادله خود با طبیعت صورت عقلایی ببخشند، و به جای آنکه تحت سلطه آن بمانند، یک قدرت کوثر قرار گیرند، آنرا به زیر کنترل اجتماعی خود درآورده و با صرف کمترین نیرو و مساعدترین و مناسبترین شرایط برای طبیعت بشر، تحقق بخشند. "

تا آنجا که به شرایط مشخص کنونی مربوط می شود، سمت گیری به سوی حل مسأله جهانی تغذیه در چارچوب نظام نوین اقتصاد جهانی، که کشورهای سوسیالیستی و غیر متعهد خواهان آنند، گامی به جلو خواهد بود.

۶۴ سال از برقراری حکومت شوراهادر ارمنستان گذشت



عکسی از برگزاری جشن در میدان لنین شهر ایروان

در شرایطی که هموطنان ارمنی ما، با تضییقات و توطئه های روز افزون حکومت جمهوری اسلامی علیه حقوق خود روبرو هستند، جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان ۲۹ نوامبر امسال ۶۴مین سالگرد برقراری حکومت شوراهادر این سرزمین را برگزار کرد. بدین مناسبت، نگاه کوتاهی داریم به چگونگی ایجاد و تکامل قدرت کارگران و دهقانان در ارمنستان شوروی.

در ماه مه ۱۹۱۸، به دستور کشورهای امپریالیستی و به منظور ایجاد پایگاه علیه روسیه سوسیالیستی در ماوراء قفقاز، سه دولت بورژوازی در آذربایجان، گرجستان و ارمنستان تشکیل شد. در ارمنستان، روز ۲۸ مه همان سال حزب بورژوازی دانشناکسیون قدرت را به دست گرفت. حکومت این حزب، که خود را مستقل قلمداد می نمود، در حقیقت آلت دست بلوک های امپریالیستی شده بود.

دولت بورژوازی ارمنستان در طول ۲ سال حکومت خود نتوانست و نخواست مسائل اجتماعی - اقتصادی ارمنستان را حل کند. وضع روستاها و روستائیان اسفناک بود. موضع دولت وقت در مورد مالکیت زمین، این بود که حریم مالکیت ارضی مقدس است، و هیچ کس حق تجاوز به حقوق مالک را ندارد. صنایع موجود در ارمنستان نیز تقریباً نابود شده بودند.

هرج و مرج، جنگ های برادر کشی، پایمال کردن حقوق اقلیتها، گرسنگی و بیماری ارمنیان دولت بورژوازی برای مردم ارمنستان بود. تقریباً دو سوم جمعیت ارمنستان (درحدود نیم میلیون نفر) بر اثر بیماریهای واگیردار و گرسنگی جان سپردند. حتی روزنامه های بورژوازی نیز می نوشتند "در کشور بیماری و گرسنگی حکومت می کند".

با مقایسه اوضاع اقتصادی ارمنستان در سال ۱۹۱۹ با سال ۱۹۱۳ (پیش از جنگ جهانی اول) درجه فلاکت آن روشن تر می شود:

سال ۱۹۱۹	سال ۱۹۱۳
زمینهای زیر کشت (بهره از بینه) ۸۲/۷ هزار هکتار	۳۴۰/۷ هزار هکتار
زمینهای زیر کشت بینه ۶۰۰ هکتار	۱۵ هزار هکتار
تولید محصولات دیگر ۱۰۰ هزار هکتار	۸۰۰ هزار هکتار

سوسیالیسم، ارمنستان و خلق ارمن را که بر اثر سیاست خائنان دولت دانشناکسیون در لیبه پرتگاه نابودی کامل قرار گرفته بود، نجات داد.

در ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰، کارگران و دهقانان بپا خاسته ارمنستان بر رهبری حزب کمونیست کارگران ارمنستان و به کمک ارتش سرخ روسیه سوسیالیستی، دولت بورژوازی را سرنگون و

مقایسه با سال ۱۹۴۰، نشان دهنده افزایشی معادل ۵۰۰ درصد است.

تولید برق در ارمنستان شوروی، تنها در سال ۱۹۸۱ به ۱۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون کیلو وات رسید. برق تولید شده در سال ۱۹۸۲، در مقایسه با ایران ۸/۴ برابر، در مقایسه با ترکیه ۸/۷ برابر، و ۲/۳ برابر مقدار متوسط برق تولید شده در کل جهان بود. همین رقم در سال ۱۹۷۰، تنها در ارمنستان ۶ برابر برق تولید شده در کل روسیه تزاری در سال ۱۹۱۳ بود، و در مقایسه با سال ۱۹۴۰، به ۱۶/۲ برابر رسید.

تولید کشاورزی، در مقایسه با سال ۱۹۴۰، ۵ برابر افزایش داشته است. در زمینهای کلخوز (تعاونی)، ۱۳ هزار تراکتور، ۱۵ هزار کمباین و بیش از ۱۶ هزار کامیون به کار مشغولند.

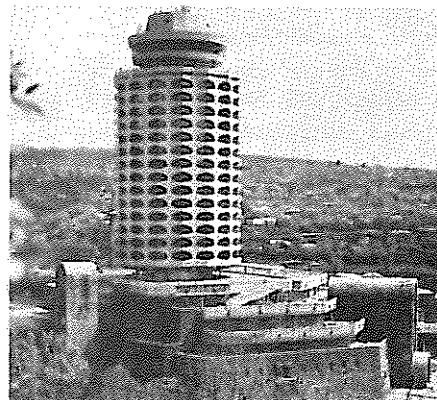
امروزه از هر ۱۰۰۰ نفر ارمنی ساکن ارمنستان شوروی، ۹۰۰ نفر دارای مدرک پایان دبیرستان و یا تحصیلات عالی هستند، که در مقایسه با همه کشورهای جهان، رقم چشمگیری است. در سال ۱۹۵۱، در ارمنستان ۳۳ مرکز تحقیقات علمی وجود داشت. این رقم، در سال ۱۹۵۸ به ۶۹، در سال ۱۹۶۲ به ۸۴، و در سال ۱۹۷۰ به ۱۰۰ مرکز رسید. در سال ۱۹۷۰، در این مراکز تحقیقاتی بیش از ۱۲ هزار نفر به کار تحقیق اشتغال داشتند. از این تعداد، ۴۰۰۰ نفر دارای دکترای در علوم و ۳۰۰۰ نفر کاندیدای احراز این مقام بودند.

و حکومت سوسیالیستی را برقرار کردند. بدین ترتیب، درونمای وسیعی برای پیشرفت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به وجود آمده و خلق ارمن زایشی نو یافت.

ارمنستان، که در گذشته ای نه چندان دور، یکی از جوامع عقب افتاده دنیا بود، اینک در سایه سوسیالیسم و با کمک های بی شائبه خلق های برادر، به یکی از مناطق مسدور صنعتی و پیشرفته دنیا بدل گشته است. هم اکنون، ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در ارمنستان زندگی می کنند. آنها در کنار دیگر خلق های شوروی، به آینده روشن خود مینگرند و با گام های استوار به پیش می روند.

نظری به ارقام، عظمت کاری را که از هنگام برپایی حکومت شوراهادر ارمنستان صورت گرفته، نمایان می سازد.

میزان تولید اقتصادی در سال ۱۹۷۳، در مقایسه با ۱۹۱۳، ۲۲۱/۵ برابر شده بود. امروزه بیش از ۱۷۰ نوع ابزار صنعتی تولید شده در ارمنستان شوروی، به بیش از ۷۰ کشور دنیا، و از جمله به کشورهای پیشرفته صنعتی صادر می گردد. آمار تولیدات سال ۱۹۸۲ در



کاخ جوانان در شهر ایروان

جدول آمار تعداد مراکز آموزش عالی و تعداد دانشجویان

سال تحصیلی	تعداد مراکز آموزش عالی	تعداد دانشجویان
۱۹۲۲-۱۹۲۳	۲	۵۵۷
۱۹۴۰-۱۹۴۱	۹	۱۱۱۲۰
۱۹۶۰-۱۹۶۱	۱۰	۲۰۱۶۵
۱۹۷۴-۱۹۷۵	۱۲	۵۳۱۶۶

رویدادهای جهان



کنوانسیون جهانی علیه شکنجه

سی و نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون علیه شکنجه و سایر اشکال خشونت را مورد تصویب قرار داد. در این کنوانسیون، از همه کشورهای خواسته شده است اقداماتی به منظور جلوگیری از شکنجه و مجازات عوامل آن انجام دهند. در این رابطه، نماینده شوروی طی سخنان خود، به شکنجه و آزار زندانیان اردوگاههای آلمان هیتلری و سایر مخالفان فاشیسم اشاره نمود. سایر سخنرانان، اعمال شکنجه در شیلی، آفریقای جنوبی، نامیبیا و اسرائیل و مناطق عربی زیر اشغال آن را محکوم کردند. خاویر پیرز و کوئیار، دبیر کل سازمان ملل متحد، تصویب کنوانسیون نامبرده را گام مهمی در تلاش این سازمان برای از بین بردن شکنجه نامید.

مجمع عمومی سازمان ملل خواهان تشکیل کنفرانس خاور نزدیک شد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بار دیگر همه دولت‌ها را به همکاری برای تشکیل هر چه سریعتر کنفرانسی پیرامون خاور نزدیک و برای عادی کردن اوضاع انفجاری این منطقه فراخواند. این دعوت، در قطعنامه‌های جمعبندی مذاکرات مجمع عمومی پیرامون مسئله فلسطین گنجانده شده است. طی این مذاکرات، نمایندگان بسیاری از کشورهای پشتیبانی خود را از پیشنهاد های اتحاد شوروی در باره حل مسئله خاور نزدیک اعلام داشتند. محمد ابوالحسن، نماینده دائمی کویت در سازمان ملل متحد گفت کشور وی موضوع اتحاد شوروی در باره ضرورت برگزاری کنفرانس بین‌المللی ویژه خاور نزدیک زیر نظر سازمان ملل متحد را تأیید می‌کند. اسکار الیوا، نماینده کوبا اظهار داشت همه طرفهای

ذینفع، از جمله سازمان آزادیبخش فلسطین، یگانه نماینده قانونی ملت فلسطین، باید در این کنفرانس شرکت کنند. نماینده کوبا، آمریکا و اسرائیل را به علت ایجاد موانع در راه حل مسئله خاور نزدیک و نادیده گرفتن حقوق حقه فلسطینی‌ها محکوم کرد.

در اسنادی که با اکثریت قاطع، و تنها با رای مخالف آمریکا و اسرائیل و رای ممتنع متحدین ناتوی آمریکا به تصویب مجمع عمومی رسید، حق خلق فلسطین برای ایجاد دولت مستقل مورد تأیید قرار گرفته است.

اعتصاب عمومی در بنگلادش

روز شنبه هشتم دسامبر، یک اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته در بنگلادش انجام گرفت. این اعتصاب، به دعوت احزاب اپوزیسیون تحت شعار لغو حکومت نظامی و استقرار مجدد دموکراسی و نیز تأمین آزادی انتخابات برگزار شد. همچنین در شانزده هفتم دسامبر نیز به نشانه حمایت از اعتصاب عمومی، تظاهرات وسیعی در داکا پایتخت بنگلادش بر پا گردید. شرکت کنندگان در این تظاهرات، از اهالی کشور دعوت کردند مجدانه در اعتصاب شرکت نمایند. اپوزیسیون بنگلادش اعلام نموده که مصمم است پس از پایان اعتصاب، به سازماندهی کارزار عدم اطاعت عمومی به منظور دفاع از خواسته‌های خود اقدام نماید.

فاجعه شیمیایی بوپال در خدمت

آزمایشهای تسلیحاتی غرب

خبرگزاری هند گزارش داده است، کارمندان آزمایشگاههای سری ویژه تحقیق پیرامون سلاحهای شیمیایی، زیر عنوان نمایندگان سازمانهای گوناگون کمک به مردم مصیبت زده شهر هندی بوپال، از ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، کانادا و آلمان فدرال به این شهر هجوم آورده‌اند. از نظر آنها، فاجعه بوپال امکان ارزیابی تأثیر مواد سمی را می‌تواند در جنگ شیمیایی به کار گرفته شود، فراهم آورده است. همانگونه که قبلاً نیز گزارش دادیم،

روز سوم دسامبر در شهر بوپال هند به دنبال نشت گاز سمی در کارخانه متعلق به شرکت آمریکایی "یونیون کارباید" در نتیجه سهل انگاری جنایتکارانه هیئت مدیره این کارخانه، دهها هزار نفر از مردم بی گناه مسموم شدند. از این تعداد، تا کنون بیش از ۲۵۰۰ نفر قربانی سوز جوئی "یونیون کارباید" گشته‌اند. وضع ۱۴۰۰ نفر دیگر نیز وخیم است. تعداد زیادی از مردم، با به کلی بیانی خود را از دست داده‌اند و یا از ناحیه چشمها به شدت آسیب دیده‌اند.

یکی از مدیران "یونیون کارباید" در آمریکا اعتراف کرد در کارخانه این شرکت واقع در بوپال، معیارهای امنیتی در سطح بسیار پایینتری از خود آمریکا بوده است. وی افزود سیستم هشدار بازر کارخانه اصلی یونیون کارباید در ایالت ویرجینیا غربی آمریکا، قادر است افزایش فشار گاز در مخازن را به موقع تشخیص دهد. به گفته این مسئول شرکت آمریکایی، مدیران این شرکت به علت "مشکلات مربوط به لوازم یدکی" تصمیم گرفته بودند از پذیرش سیستم اعلام خطر کامپیوتری در کارخانه بوپال صرف نظر کنند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، دو سال پیش یعنی در سال ۱۹۸۲، نتیجه بازرسی امنیتی کارخانه یونیون کارباید در بوپال حاکی از ناکافی بودن اقدامات ایمنی در این کارخانه بوده است.

همزمان با روشن شدن برخی جوانب فاجعه شیمیایی بوپال، موج ابراز خشم و انزجار مردم هند علیه مقامات شرکت آمریکایی یونیون کارباید گسترش یافته است. در روز ۱۲ دسامبر، در برابر سنارت آمریکا در دهلی تظاهرات وسیعی در این رابطه انجام گرفت. دولت مرکزی هند برای هماهنگ کردن اقدامات خود با دولت ایالتی "مادیا پرادش" که بوپال در آن واقع شده، نماینده ویژه ای به این شهر فرستاد. دولت ایالتی مادیا پرادش، علیه کسرن یونیون کارباید اقامه دعوا نمود.

کوهستانی آریا - سوان (بطول ۴۰ کیلومتر) که در نوع خود در دنیا بی نظیر است، ماشینهای شمارگر، نیروگاه هسته‌ای، متروی شهر ایروان و... از میان دستاوردهای خلق ارمن در زمینه پیشرفت علمی نیز می‌توان از رصدخانه مشهور پیوراگان که تحقیقات مربوط به ستاره شناسی آن اهمیت جهانی دارد و آکادمی علوم ارمنستان شوروی نام برد.

این همه، تنها نمونه‌هایی است از دستاوردهای راهی که خلق ارمن در طول ۶۴ سال حکومت سوسیالیستی پیهمه است؛ از ویرانی تا آبادانی، از کارگاههای تولیدی کوچک تا کارخانه‌های مدرن، از عقب ماندگی تا پیشرفت‌شان با وفزاینده... ●

در سال ۱۹۲۲، در سراسر ارمنستان ۱۰۰ کتابخانه یا ۱۰۰ هزار جلد کتاب وجود داشت. برابر آمار سال ۱۹۸۱، این رقم به ۲۱۰۰ کتابخانه یا ۲۱ میلیون جلد کتاب رسید. هر ساله حدود هزار جلد کتاب با تیراژ چندین میلیون به چاپ می‌رسد.

پیشرفت دائمی در زمینه حل مسائل مربوط به مسکن، به ویژه در ده سال اخیر، از مشخصات تکامل اقتصادی - اجتماعی جمهوری ارمنستان است. مساحت واحدهای مسکونی از ۹۰ هزار متر مربع در ۱۹۲۰، به ۲۶۴۰۰ هزار متر مربع در ۱۹۸۱ رسید.

پرخج جلوه‌های چشمگیر پیشرفت ارمنستان شوروی عبارتند از: سد عظیم آخوریان، آبراه

در مراکز آموزش عالی، دانشجویان در ۱۵۰ رشته مختلف تخصص کسب می‌کنند. این مراکز، با بیش از ۵۰ کشور جهان روابط علمی دارند. تا سال ۱۹۷۵، در دانشگاهها و مدارس عالی ارمنستان تعداد ۵۴۰ دانشجوی خارجی از ۲۵ کشور جهان تحصیلات خود را به اتمام رسانده بودند.

برابر آمار سال ۱۹۲۲، در ارمنستان تنها ۱۳۰ پزشک وجود داشت. این رقم در سال ۱۹۸۱، به ۱۱۱۰۰ پزشک رسید (یعنی برای هر ۱۰۰۰۰ نفر ۳۴ پزشک). این رقم، بیش از ارقام مشابه آمریکا، بریتانیا و سایر کشورهای امپریالیستی است.



اخباری از خراسان

اعتصاب در سازمان آب مشهد

در سازمان آب مشهد، مسئولین با یسک تصمیم خود سرانه اعلام داشتند که از این پس حق اضافه کاری به کارکنان تعلق نخواهد گرفت. این امر اعتراض شدیدی را در میان کارکنان این واحد برانگیخت. کارگران و تکنیسین های قسمت موتورخانه دست از کار کشیدند. اما مدیر عامل سازمان آب همچنان بر این تصمیم پافشاری نموده و از پرداخت حق اضافه کاری سر باز می زد. کارکنان موتورخانه به مبارزه علیه این اجحاف آشکار ادامه دادند. اعتصاب آنان، روند عادی کار سازمان آب را مختل کرد. اعتصاب پس از چند روز با پیروزی کارکنان سازمان آب به پایان رسید و مدیر عامل متعهد شد حق اضافه کاری کارکنان را بپردازد.

مقاومت مردم

طرح افزایش نرخ اتوبوس را خنثی کرد

در مشهد به دستور مسئولین، قیمت بلیط اتوبوس شرکت واحد از ۵ ریال به ۱۰ ریال افزایش یافت. این تصمیم اعتراضات شدیدی را برانگیخت و به درگیری های نیز منجر شد. کسی حاضر شد به این تصمیم خود سرانه رژیم تکلیف کند. کسانی که سوار می شدند همان بلیط سابق را ارائه می کردند و در نقاطی که مامورین از این کار جلوگیری می کردند، مردم از سوار شدن به اتوبوس خودداری می نمودند. حرکت اعتراضی اهالی مشهد به مدت یک هفته ادامه یافت. در همه این مدت غالب مسرمد از وسائل دیگر برای آمد و رفت استفاده می کردند و یا پیاده به سرکار می رفتند. در پایان یک هفته، مسئولین مجبور به تسلیم شدند و تصمیم به افزایش نرخ بلیط اتوبوس شرکت واحد لغو شد.

یا شهریه گزاف یا ترک تحصیل

از طرف آموزش و پرورش مشهد، بخشنامه های به کلیه مدارس فرستاده شد که طبق آن دانش آموزان کلاسهای شبانه و نو آموزان کلاسهای آمادگی باید مبلغ بیست هزار ریال بابت شهریه بپردازند. این بخشنامه در پی اقدامات قبلی آموزش و پرورش در اخذ شهریه از همه دانش آموزان، صادر گردید. بخشنامه تازه آموزش و پرورش مشهد موجی از اعتراض در میان دانش آموزان و

اولیاء آن ها برپا کرد. در بسیاری از مدارس دانش آموزان دسته به دسته اعتصاب زدند. تعدادی از مدارس محلات فقیر نشین مشهد بیش از یک هفته به حالت تعطیل درآمد. والدین دانش آموزان در همه این مدت به طور انفرادی یا دسته جمعی به اداره آموزش و پرورش مراجعه می کردند. اما پاسخ مسئولین این بود "بسیا شهریه بدهید یا فرزندانتان ترک تحصیل کنند". اعتراضات دانش آموزان در محلات زحمتکش نشین مشهد از قبیل خاجه ریح، سمرقند، کوی طلاب و ... چشمگیر بود.

اعتراض پرسنل پرواز در خطوط هوایی

چندین فقره هواپیمایی در خطوط هوایی ایران در ماههای گذشته، رژیم را متوحش ساخته و به دست و پا انداخت. ارگان های امنیتی رژیم برای جلوگیری از تکرار این گونه حوادث، همه امکانات خود را به کار گرفتند و تدابیر امنیتی فوق العاده ای را به کار بستند. مامورین کنترل در فرودگاه های کشور تا ساعتها مسافرین را تحت بازرسی قرار می دهند و علاوه بر آن حتی به خلبانان، خدمه و مهمندسیان پرواز نیز تنها پس از بازرسی دقیق اجازه ورود به هواپیما را می دهند. این بازرسی ها که به نحوی توهین آمیز انجام می شود، خشم شدیدی در میان کارکنان خطوط هوایی ایجاد کرده است. گزارشات متعددی حاکی از اعتراضات تند آنها به این اقدام اهانت بار، می باشد.

در فرودگاه مشهد خلبانان، مهندسیان و خدمه پرواز برابر مامورین بازرسی دست به مقاومت زدند. آنها در برابر پرسرختی مامورین، از پرواز خوداری کرده و دست به اعتصاب زدند. بخاطر این اعتصاب برخی از پروازها تا چند روز متوقف شد و بقیه پروازها نیز دچار اختلال گردید. علاوه بر فرودگاه مشهد، دیگر فرودگاه های کشور نیز شاهد مقاومت کارکنان هواپیما ها در برابر مامورین بازرسی بود. در زابل کشاکش میان خلبانان هواپیمایی ملی و پاسدا رهائی که قصد بازرسی داشتند، باعث شد تا پرواز هواپیما دچار تاخیر شود. پرواز پس از چند ساعت و در پی عقب نشینی پاسداها صورت پذیرفت.

در فرودگاه مهرآباد نیز خلبانان در برابر بازرسی دست به مقاومت زدند که به درگیری هایی چند با مامورین بازرسی و ارگان های امنیتی انجامید. گفته می شود عده ای از خلبانان در اعتراض به این رفتار نابهنجار استعفا کردند. **اعزام به جبهه، مجازات ناراضیان** براساس روشی تثبیت شده، فرماندهان سپاه آن عده از پاسدارانی را که به سیاستهای ارتجاعی حاکمیت محترضند و یا قصد استعفا دارند، به جبهه های جنگ اعزام می کنند. امتناع آنها از رفتن به جبهه، با دستگیری و

مجازات یا اتهام تعدد و سرپیچی پاسخ داده می شود. بنا به همین روش چندین پیش در برابر جند، گروهی از این دسته از پاسداران معترض را به جبهه های جنگ گسیل داشتند. چندین نگذشته بود که تقریباً همه آنها در یک عملیات نظامی کشته شدند و جنازه هایشان را برای تشییع جنازه و تدفین به بیرجند آوردند. مردم بیرجند که در جریان سوایق امر قرار داشتند به شدت این توطئه جنایتکارانه را محکوم کرده و با حضور گسترده در جریان تشییع جنازه نفرت خود را ابراز کردند. گردانندگان مراسم تشییع جنازه که از مسئولین سپاه بودند کوشیدند مردم را به دادن شعارهای جنگ افروزان و ارتجاعی وادار نمایند. اما مردم امتناع کرده و بجای آن شعارها در محکومیت سیاست های رژیم سردادند. رویدادهای این مراسم با زتاب وسیعی در منطقه پیداکرد.

کمک های مالی رسیده

آفتاب امئو (سوئد) ۱۰۰۰ کرون
مرگان " ۱۰۰ کرون
شیدا " ۴۰۰ کرون
هانی سوئد ۳۰۰ کرون
ح-۳۳۲ اسپالا (سوئد) ۵۰۰ کرون
دو رفیق فدایی " ۶۰۰ کرون
رفیق حسن آلان فدرال ۱۰۰ مارک
کمک مالی به "اکثريت" از طرف رفقای فدائی در منچستر ۱۰۰ پوند

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفقای فدایی در استکهلم (سوئد)
تأمین کردند

AKSARIYAT

NO:37

MONDAY DEC. 17, 84

آدرس
Address
POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY
آلمان فدرال

انگلستان
P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND

ایالات متحده
P.O. BOX 86156
LOS ANGELES, CA 90086
USA

ایتالیا
C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

هندوستان
P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

هرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!